

سیر تحول حقوق مطبوعات در ایران

همراه با متون قوانین مصوبه

- ✦ زهرا صدراسادات
- ✦ زینب السادات معصومی زاده



مقدمه

از ورود نخستین دستگاه چاپ و چاپ نخستین روزنامه در ایران تا تصویب نخستین قانون مطبوعات راهی شصت، هفتاد ساله طی شد. نخستین روزنامه به زبان فارسی در ایران را میرزا صالح شیرازی با نام "کاغذ اخبار" در سال ۱۲۵۳ قمری مطابق با ۱۸۳۸ میلادی چاپ کرد. میرزا صالح شیرازی که افتخار انتشار دادن اولین روزنامه‌ی ایران را داراست، جزو اولین گروه دانشجویانی بود که توسط عباس میرزا برای تحصیل به اروپا اعزام شده بود. هدف از انتشار روزنامه را می‌توان در چند سطر آغازین اولین مقاله آن روزنامه یافت:

«... همت ملوگانه‌ی اولیای دولت علیه مصروف بر این گشته که ساکنین ممالک محروسه تربیت شوند!»

انتشار نشریه‌ی کاغذ اخبار که ماهانه منتشر می‌شده است دیری نمی‌پاید و



احتمالاً ۳ سال بعد یعنی در سال ۱۲۵۶، این روزنامه به دلیل اوضاع آشفته داخلی بی‌علاقگی شاه و وزیرش به اقدامات فرهنگی و سیاست‌های ضدفرهنگی آنان، عدم اطمینان کافی به میرزا صالح و احساس خطر از سوی روزنامه او تعطیل می‌شود.

عمر نخستین روزنامه فارسی داخلی تنها ۸ شماره بود. با آغاز سلطنت ناصرالدین شاه، انتشار روزنامه در ایران وارد جریان تازه‌ای شد. این جریان که با انتشار وقایع اتفاقیه به همت امیرکبیر آغاز شد، در فاصله چند سال با انتشار روزنامه‌های دیگر تداوم یافت. علاوه بر آن که به واسطه گشایش دارالفنون و احتیاج به چاپ و نشر کتاب، تعداد دستگاه‌های چاپ در تهران و شهرهای دیگر بیشتر شد. با افزایش تعداد نشریات و روزنامه‌ها و لزوم تبیین مقررات در حدود سال‌های ۱۲۸۵ قمری ناصرالدین شاه، دستور تأسیس اداره‌ای را داد به نام اداره کل انطباعات که بعدها در همین دوره به وزارت خانه ارتقا یافت. وظیفه اصلی این وزارت خانه نظارت بر امور چاپ و نشر در ایران و اداره‌ی روزنامه‌های دولتی چون وقایع اتفاقیه بود. میرزا حسن اعتماد السلطنه نخستین وزیر انطباعات دوره ناصری بود.

"قانون" از نظر اصطلاح حقوقی تنها به مقرراتی اطلاق می‌شود که با گذراندن مراحل خاصی به تصویب قوه مقننه (مجلس قانونگذاری) رسیده باشد. بنابراین با توجه به این که تا حدود ۷۲ سال پس از انتشار نخستین نشریه، یعنی کاغذ اخبار در سال ۱۲۵۳ قمری در کشور ما چیزی با عنوان مجلس وجود نداشته است، باید این مدت را دورانی نامید که نشریات ایرانی بدون داشتن قانون مطبوعات فعالیت می‌کردند. در واقع در اولین دوره فعالیت مطبوعات ایران، فاقد هرگونه قانونی که مبین حقوق و وظایف مطبوعات در رابطه با مردم و حکومت باشد، بوده‌ایم. با وجود این فقدان قانون در این مدت را نباید به معنای عدم وجود الزامات حکومتی برای ارباب جراید دانست. بلکه سلاطین حاکمان حیطه فعالیت مطبوعات را تعیین می‌کرده است.



تعریف مطبوعات

مطبوعات در لغت و به معنای عام کلمه شامل تمامی نوشته‌های چاپی است و در اصطلاح به روزنامه‌ها و مجلات اطلاق می‌گردد. در بیان تفاوت میان مطبوعات و مکتوبات باید گفت: مکتوبات اعم از مطبوعات است، چرا که مکتوبات به معنی «نوشته‌ها» اعم از دست‌نوشته و چاپی است. لیکن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ضمن اختصاص دادن چند اصل از اصول خود به مطبوعات گاه آن را در شمار نشریات آورده و گاهی هم در ردیف رسانه‌های گروهی قرار داده است.

قانون مطبوعات ۱۳۶۴ شمسی در ماده ۱ مطبوعات را چنین تعریف کرده است: «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم، با نام ثابت و تاریخ، شماره، ردیف، در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند.»

این تعریف چندان تفاوتی با تعریف قانون مطبوعات مصوب زمان دکتر مصدق، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ و قانون مطبوعات مصوب شورای انقلاب ندارد.

با ملاحظه‌ی ماده ۱ و تبصره الحاقی قانون مطبوعات، ارکان تعریف مطبوعات به ترتیب زیر مشخص شده‌اند: ۱- نظم در انتشار ۲- داشتن نام ثابت، تاریخ و شماره ردیف ۳- شرایط انتشار فوق‌العاده ۴- زمینه انتشار.

۱- نظم در انتشار. بدین معنی که متقاضی نشریه، تناوب زمانی خاصی را انتخاب کرده و از آن تخطی نکند. رعایت نظم در انتشار به گونه‌ای خاص مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است تا جایی که بر اساس ماده‌ی ۱۶ قانون مطبوعات، «عدم انتشار» منظم نشریه در یک سال اگر بدون عذر موجه باشد را موجب لغو پروانه دانسته است.

۲- داشتن نام ثابت، تاریخ و شماره ردیف. در نام گذاری نشریات بر اساس ماده ۲ آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات باید از «کلماتی استفاده شود که با نشریات موجود و یا با نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند اشتباه نشود و موجب تداعی نام آن‌ها نباشد.» هم چنین «نام نشریه نباید نام‌آنوس بوده یا شبیه وابستگی



به ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی را ایجاد نماید.»

۳- شرایط انتشار فوق‌العاده. از تبصره ذیل ماده‌ی ۱ قانون مطبوعات و تبصره

ذیل ماده ۴ آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات چنین نتیجه‌گیری می‌شود که:

۱- نشریه‌ای که در انتشار منظم آن خلل وارد شده و به هر دلیل نتوانسته به طور

مرتب منتشر شود، نمی‌تواند «فوق‌العاده» منتشر کند.

۲- یک نشریه نمی‌تواند به شکل منظم دست به انتشار «فوق‌العاده» بزند.

۴- زمینه‌ی انتشار. در زمینه‌ی انتشار با توجه به ماده‌ی ۱ قانون مطبوعات در

تعریف ارائه شده، دو خصوصیت «شیوه‌ی نگارش» و «محتوای مطبوعات» از هم متمایز نشده‌اند. ماده ۱ در تعریف مطبوعات می‌گوید: ... در زمینه‌های خبری،

اقتصادی، سیاسی ... در حالی که خبری بودن شیوه‌ای است که ممکن است یک نشریه در بیان مطلب خود اتخاذ کند و چه بسا نشریه‌ای مطالب اقتصادی و سیاسی را به

شیوه‌ی خبری یا آموزشی یا طنز منتشر کند. در این صورت شاید بهتر بود در تعریف مطبوعات با این مضمون که «مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور

منظم ... در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و ... به صورت خبری، آموزشی، انتقادی، طنز و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند»، شیوه و صورت انتشار از محتوای

مطالب متمایز می‌شد. با این حال هم‌چنان ابهام در تعریف مطبوعات دیده می‌شود. اصلاحیه پیشنهادی برای ماده ۱ قانون مطبوعات، تبصره‌ای به عنوان تبصره ۲

در نظر گرفته است که برخلاف نیت اعلام شده طراحان نه تنها از ابهامات آن نمی‌کاهد بلکه نکات مبهم تازه‌ای نیز به آن می‌افزاید. تبصره‌ی پیشنهادی در واقع

تعریف موجود در ماده‌ی ۱ قانون فعلی مطبوعات را نقض کرده و مطبوعات را صرفاً نشریاتی دانسته که از هیأت نظارت بر مطبوعات مجوز گرفته باشند. علاوه بر آن

چنان‌چه این تبصره در هریک از قوانین ایران یا کشورهای دیگر قرار گیرد، به معنای بی‌اثر و بلااستفاده شدن سایر مواد و تبصره‌های آن قانون خواهد بود. زیرا در این

تبصره آمده است که:

«نشریه‌ای که ... سایر مواد این قانون را رعایت نکند، از شمول قانون مطبوعات

خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.»



عبارت «یا سایر مواد این قانون را رعایت نکند» بسیار مبهم است زیرا هر گونه نقض قانون اعم از این که جنبه اجرایی یا قضایی داشته باشد، موجب خروج نشریه از چتر حمایتی قانون مطبوعات می‌شود. با این تبصره پیشنهادی ۳ دسته از نشریات از شمول تعریف مطبوعات و در نهایت قانون مطبوعات خارج و تابع قوانین عمومی دانسته می‌شوند. این ۳ دسته عبارتند از:

۱- نشریه‌ای که مشمول ماده ۱ قانون مطبوعات نباشد.

۲- نشریه‌ای که بدون اخذ مجوز از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد.

۳- نشریه‌ای که سایر مواد قانون مطبوعات را رعایت نکند.

در مورد تبصره پیشنهادی چند نکته محل تأمل و ابهام است که در زیر می‌آید:
الف- در تبصره پیشنهادی نشریاتی که مشمول ماده ۱ قانون مطبوعات نباشند از قانون مطبوعات خارج دانسته شده در حالی که ماده ۱ قانون مطبوعات تنها اشاره‌ای به پاره‌ای از شرایط شکلی نظیر انتشار منظم، نام ثابت، تاریخ و شماره ردیف دارد و ممکن است نشریه‌ای به رغم اخذ مجوز از هیأت نظارت بر مطبوعات با توجه به مشکلات مالی و ... امکان چاپ منظم نداشته باشد و در مواقعی برای مدت کوتاهی متوقف شود و باز دوباره منتشر شود.

انصاف حکم می‌کند که در صورت اخذ مجوز از هیأت نظارت، عدم انتشار منظم نشریه و یا دیگر شرایط شکلی سبب خارج شدن از شمول قانون مطبوعات نگردد.

ب- از دیگر مواردی که طبق تبصره‌ی پیشنهادی، نشریات از شمول قانون مطبوعات خارج می‌گردند موردی است که نشریه بدون اخذ مجوز از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد.

قانون فعلی مطبوعات در این باره ساکت است و به نظر می‌رسد عدم اخذ مجوز با توجه به این قانون سبب خارج شدن نشریه از شمول قانون مطبوعات نمی‌گردد. و تنها شخصی که بدون اخذ پروانه مبادرت به انتشار نشریه نماید قابل پیگرد است. (ماده‌ی ۳۲ قانون فعلی)

هر چند محاکم دادگستری در این ماده رویه‌ی دیگری را اتخاذ کرده‌اند و نشریه‌ای را که بدون مجوز از هیأت نظارت منتشر گردد، مشمول قانون مطبوعات ندانسته‌اند.



ج- طبق تبصره‌ی پیشنهادی، نشریه‌ای که سایر مواد قانون مطبوعات را رعایت نکند، از شمول قانون مطبوعات خارج و تابع قوانین عمومی است.

ایرادی که براین تبصره‌ی پیشنهادی وارد است این است که این پیشنهاد موجب می‌شود که نشریات صرفاً به خاطر عدم رعایت یکی از مواد این قانون از شمول قانون مطبوعات خارج شوند. تصویب این پیشنهاد در واقع نقض غرض به شمار می‌آید. بدین معنی که قانون مطبوعات، حدود مطبوعات و جرایم مطبوعات را مشخص کرده و بنابر اصل ۱۶۸ قانون اساسی، دادگاه مکلف است که در صورت عدم رعایت حدود مطبوعات و ارتکاب یکی از جرایم مطبوعات، به اتهام مدیر مسئول نشریه، به صورت علنی و در حضور هیأت منصفه رسیدگی نماید. در حالی که با این پیشنهاد نشریه به مجرد عدم رعایت حدود مطبوعات و یا ارتکاب یکی از جرایم مطبوعاتی از شمول قانون مطبوعات خارج و تابع قوانین عمومی می‌گردد.

قوانین مطبوعات پس از مشروطه

تدوین قانون اساسی مشروطیت در سال ۱۳۲۴ و متمم آن در سال ۱۳۲۵، گام نخست در تدوین مقررات به شیوه‌ای بود که سال‌ها قبل از آن در ممالک بیگانه معمول شده بود.

نویسندگان قانون اساسی مشروطیت، به لحاظ نقشی که مطبوعات در آن نهضت ایفا کرده بودند در کنار سه رکن مقننه، مجریه و قضائیه، رکن چهارم را مطبوعات لقب دادند و در چندین مورد با وسعت نظر به مسایل مطبوعات نگریستند. در اولین قانون اساسی ایران مصوب ۱۳۲۴ قمری (۱۹۰۷ میلادی) اصل سیزدهم به مطبوعات اختصاص داده شد. اصل سیزدهم قانون اساسی در بر دارنده‌ی آزادی مطبوعات بود:

«... هر کس صلاح اندیشی در نظر داشته باشد در روزنامه عمومی بنگارد تا هیچ امری از امور در پرده و بر هیچ کس مستور نماند. مع هذا عموم روزنامه‌جات مادامی که مندرجات آنها مغل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفیده و عام‌المنفعه را هم چنان مذاکرات مجلس و صلاح‌اندیشی



خلق را بر آن مذاکرات به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شده به اغراض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، قانوناً مورد استنطاق قرار گرفته و محاکمه و مجازات خواهد شد.»

هم چنین در متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۲۵ قمری (۱۹۰۸ میلادی)، سه اصل بیستم، هفتاد و هفتم و هفتاد و نهم، به تفصیل حیطة فعالیت مطبوعات و چگونگی برخورد با آنان در صورت تخلف از قانون را مشخص نموده است.

در اصل بیستم متمم قانون اساسی چنین آمده است:

«عامه مطبوعات، غیر از کتب ضلاله و مواد مضره به دین مبین اسلام، آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است. هرگاه چیزی مخالف قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود، نشر دهنده یا نویسنده، بر طبق قانون مطبوعات مجازات می‌شود. ولی اگر نویسنده، معروف و مقیم ایران باشد، ناشر و طابع و موزع از تعرض مصون هستند.»

اولین قانون مطبوعات، مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ ق / ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ ش

تهیه یک قانون برای نظارت و اداره مطبوعات، پس از تدوین قانون اساسی، در رأس کارهای نمایندگان قرار گرفت. قانون مطبوعات توسط نمایندگان مجلس اول مشروطه تهیه شد و توسط نمایندگان دوره‌ی دوم مجلس شورای ملی به تصویب رسید. این قانون مطبوعات در ۵۲ ماده تهیه شد و با رأی ۷۶ نماینده از ۸۸ نماینده به تصویب رسید و پس از امضای رئیس مجلس، احتشام السلطنه برای صحه همایونی به دربار فرستاده شد.

این قانون مفصل‌ترین قانون مطبوعات تا زمان فعلی نیز به شمار می‌رود. قانون اول مطبوعات شامل یک مقدمه، ۶ فصل و دارای ۵۲ ماده است. عناوین فصول یاد شده چنین می‌باشد:

چاپخانه و کتابفروشی، طبع کتاب، روزنامه‌جات مقرر، اعلانات، حدود تقصیر نسبت به جماعت و محاکمه.

متن کامل قانون اول مطبوعات به شرح زیر است:



قانون مطبوعات

بسم الله الرحمن الرحيم

موافق اصل بیستم از قانون اساسی
عامه مطبوعات غیر از کتب ضلال و مواد
مضره بدین مبین آزاد و ممیزی در آنها
ممنوع است ولی هر گاه چیزی مخالف
قانون مطبوعات در آنها مشاهده شود
نشردهنده یا نویسنده بر طبق قانون
مطبوعات مجازات می شود اگر نویسنده
معروف و مقیم ایران باشد ناشر و طابع و
موزع از تعرض مصون هستند.

مقرر می شود طبع کتب و روزنامجات
و اعلانات و لوایح در تحت قوانین مقرر

ذیل که از برای حفظ حقوق عموم و ستد ابواب مضار از تجاوزات ارباب قلم و مطبوعات
وضع می شود آزادست هر کس بخواهد مطبعه دائر نماید یا کتاب و جریده و اعلاناتی
بطبع برساند یا مطبوعات را بفروشد باید بدو عدم تخلف از فصول این قوانین را نزد
وزارت معارف بالتزام شرعی متلزم و متعهد شود

فصل اول چاپخانه و کتابفروشی

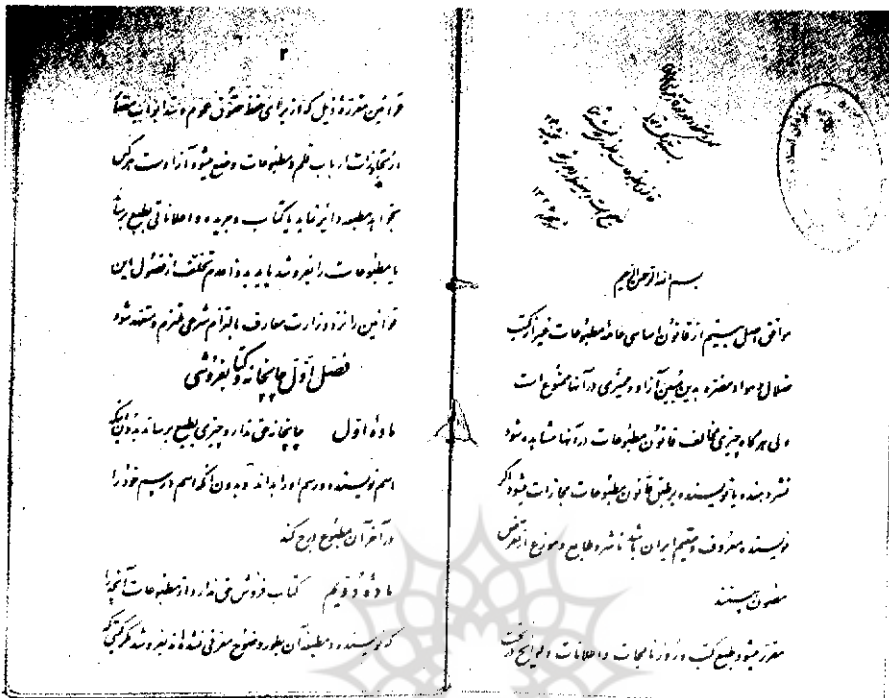
ماده اول: چاپخانه حق ندارد چیزی بطبع برساند بدون اینکه اسم نویسنده و
رسم او را بداند و بدون آنکه اسم و رسم خود را در آخر مطبوع درج کند.
ماده دوم: کتاب فروش حق ندارد از مطبوعات آنچه را که نویسنده و مطبعه
آن بطور وضوح معرفی نشده اند بفروشد مگر کتبی که قبل از این تاریخ طبع
شده و بجهتی دیگر از جهات قانونی ممنوع نباشد.
ماده سیم: کتاب فروش حق ندارد کتابی را بفروشد که قانوناً قدغن شده
باشد.

قانون

مطبوعات

تبریز ۱۳۲۶





کتابخانه مجلس شورای اسلامی
تاریخ ثبت کتابخانه
تاریخ ثبت کتابخانه
تاریخ ثبت کتابخانه
تاریخ ثبت کتابخانه

بسم الله الرحمن الرحيم

موافق مجلس سیدم از آن قانون اساسی ماده مطبوعات غیر از کتب
ضلاله و سوء افکار و غیره که در آیین قانون مطبوعات
و کلی هر که چیزی خلاف قانون مطبوعات در آنجا چاپ شود
تسویه و باطل میسند و در بعضی قانون مطبوعات مجازات شود که
نویسنده معروف و متمیز ایران باشد و در بعضی از بعضی
مطبوعات

مطبوعات مطبوعات و در روزنامه‌ها و هفته‌ها و غیره که

قوانین مطبوعات در ایران که در این کتاب مذکور است
در مجامع و در این کتاب مذکور است
در این کتاب مذکور است
در این کتاب مذکور است

فصل اول چاپخانه و غیره

ماده اول چاپخانه و غیره
در این کتاب مذکور است
در این کتاب مذکور است

ماده دوم چاپخانه و غیره
در این کتاب مذکور است
در این کتاب مذکور است

فصل دوم طبع کتب

ماده چهارم: طبع کتب متداوله غیر از کتب ممنوع و کتب جدیده و غیر از کتب
مذهبی آزاد است. کتب جدیده مذهبی باید قبل از طبع بنظر و ممیزی هیئتی
که در اداره معارف بنام مجمع علوم دینی تشکیل می‌شود رسیده و تصویب
شده باشد.

ماده پنجم: از هر نسخه که بطبع می‌رسد چاپ کننده دو نسخه برای ضبط
در کتابخانه ملتی و تکمیل مجموعه مطبوعات می‌فرستد در پای تخت این دو
نسخه را رسماً نزد وزارت علوم و در سایر بلاد بشعب وزارت علوم و اداره
معارف می‌فرستند در هر صورت قبض رسید دریافت می‌کند و در آن قبض
باید عنوان کتاب و عده نسخ آن بطبع رسیده مذکور باشد چاپ کننده بموجب

نقش قلم در تاریخ معاصر ایران



این فصل ملتزم شرعی است که در صورت تخلف سه تومان الی شصت تومان مجانی دادنی باشد بسته بنظر حاکم قضیه

فصل سیم روزنامجات مقررّه

ماده ششم: هر روزنامه و جریده باید یکنفر مدیر مسئول داشته باشد متصّف بصفات ذیل (۱) ایرانی باشد (۲) سنش بسی سال بالغ باشد (۳) زوال شرف از او نشده باشد یعنی مرتکب جنحه و جنایات و مشهور بفسق و فساد عقیده نباشد.

ماده هفتم: اسم و رسم مدیر روزنامه و اسم مطبعه که در آن روزنامه چاپ می‌شود باید روی هر نمره روزنامه بطبع رسیده باشد هر یک از مدیر روزنامه و مطبعه بموجب این فصل ملتزم شرعی‌اند که در صورت تخلف از وظیفه خود از یک تومان الی سه تومان مجاناً دادنی باشند در صورتی که در پسنه واحده تخلف در این فصل مکرر واقع شود علاوه بر وجه ملزومی بهر تکراری یک تومان اضافه بدهد.

ماده هشتم: قبل از طبع و انتشار هر روزنامه و ورقه مقررّه مدیر جریده مکلف است که اظهارات ذیل را در روی یک ورقه بنظارت انطباعات بفرستد (۱) اسم و رسم مدیر روزنامه و محل اداره آن خواهد رسید (۲) اسم و رسم مطبعه که روزنامه در آن بطبع خواهد رسید (۳) عنوان روزنامه و جریده و ترتیب طبع آن که یومیّه است یا هفتگی است یا ماهانه (۴) عدّه چاپ هر نمره (۵) مسلک روزنامه و سیاق مطلب آن در صورت تعبیر هر یک از کیفیات فوق باید در ثانی معلومات لازمه بنظارت انطباعات داده شود و این اظهارات باید همه مکتوباً در روی ورقه معینه با امضای مدیر مسئول بعمل آمده که ورقه تمبر دولتی خورده باشد بموجب این فصل مدیر مسئول روزنامه ملتزم است که در صورت تخلف از پنج ریال پنجاه تومان دادنی باشد.



ماده نهم: در موقع انتشار هریک از نمرات روزنامه دو نسخه روزنامه بامضای مدیر برای اداره معارف آن شهر که در آن طبع می‌شود و دو نسخه از برای کتابخانه و قرأت خانه ملی فرستاده می‌شود در صورت تخلف مدیر روزنامه پنج تومان مجاناً دادنی خواهد بود.

تقرضات

ماده دهم: هرگاه روزنامه و جریده نسبت به یکی از مأمورین دولتی یا به یکی از ادارات چیزی درج کرده باشد که بشغل ایشان بر بخورد آنچه را که در توضیح و رد ایراد آن شخص یا آن اداره نزد مدیر روزنامه بفرستد باید بدون تاخیر و تحریف در ستون اول نمره آتی روزنامه درج کند عبارت مقاله جوابیه می باید بیش از ضعف مقاله تعرضیه نباشد و الا مازاد را باید صاحب مقاله جوابیه اجرت چاپ از قرار عادلانه بدهد برای تخلف از این فصل مدیر روزنامه از ده الی صد تومان دادنی خواهد بود.

ماده یازدهم: رد غیر اشخاص رسمی امتناع مدیر روزنامه از درج مقاله جوابیه مستوجب دادن پنج الی پنجاه تومان وجه ملزومی خواهد بود این نوع از مقالات باید در همان محل و بهمان حروف که مقاله اولیه مندرج بوده بطبع برسد.

ماده دوازدهم: در تعرض هر چند نوبت که تبادل شود روزنامه از قبول آن ناگزیر است بشرحی که در فصل دهم و یازدهم مذکور شد.

ماده سیزدهم: مدیر روزنامه مسئول مقالات مندرجه در روزنامه است و همچنان مسئول اعلاناتی است که در روزنامه بطبع می‌رسد در مقالات با امضا وقتی مدیر مسئول نیست که از منبهات مسلمة و واضحه چیزی در مقاله مندرج نباشد و الا مدیر نیز مسئول است.



ماده چهاردهم: مدیر روزنامه مختار است مقاله و لویحی را که نزد او می‌فرستند مادامی که شامل ممنوعات قانونی نباشد قبول کرده در روزنامه درج کند آنچه خلاف قانون داشته باشد ممنوع است ولو از طرف ادارات رسمی اظهار شده باشد.

ماده پانزدهم: در روزنامجاتی که درج اعلانات معمول است مدیر حق طفره و تعویق از درج اعلانات رسمی ندارد اجرت طبع از قرار معمول با آنها داده می‌شود.

روزنامه جات خارجه

ماده شانزدهم: روزنامه جات و اوراق که در خارجه بطبع می‌رسند به هر زبان که باشد برحسب مصلحت ملک و ملت از ورود و انتشار ممنوع توانند شد هر گاه علت منع در یک نمره باشد تشخیص وزارت معارف برای جمع‌آوری و ضبط آن کافیسست و در منع کلی مذاقه مجلس وزراء لازمست بموجب این ماده هر کس روزنامه جات و اوراق ممنوعه را وارد کند یا انتشار بدهد از یک ماه الی یکسال حبس خواهدشد.

فصل چهارم اعلانات

ماده هفدهم: طبع و نشر اعلانات آزاد ست لکن اگر مضمون اعلان شامل قبايح و فضايح باشد یا داعی بفساد و اختلال امور عامه مطبعه و متصدی هر دو مسئولند و اداره نظمیة حق توقیف اینگونه اعلانات را داشته مرتکب و متصدی را بمحکمه عدالت جلب خواهدکرد.

ماده هیجدهم: اعلان و لایحه آنچه از این قبیل مطلقاً بچاپ می‌رسد باید اقلأ اسم و محل مطبعه را حاوی باشد تخلف از این ماده متصدی و مرتکب را از یک تومان الی سه تومان وجه ملزومی ملتزم خواهدکرد و یا بنظر حاکم قضیه از یک



روز الی سه روز حبس می‌شود.

ماده نوزدهم: اعلانات رسمی که از طرف ادارات دولتی بطبع می‌رسند روی کاغذ سفید خواهد بود سایر اعلانات از هر کس و هر جا روی کاغذ رنگین بطبع می‌رسد تا اعلانات رسمی از اعلانات شخصی ممتاز باشد. در صورت تخلف از این ماده متصدی پنج هزار دینار الی پانزده هزار دینار دادنی خواهد بود و در صورت تکرار تخلف در عرض یکسال از یک روز الی پنج روز حبس خواهد شد.

ماده بیستم: در صورت باطل کردن یا دریدن و کندن اعلانات رسمی دولتی و اعلاناتی که در مواقع انتخاب و کلای ملت نصب می‌شوند مرتکب از یک روز الی سه روز حبس خواهد شد چنانچه مرتکبین از اجزای ادارات دولتی باشند از شش روز الی یکماه حبس خواهند شد.

ماده بیست و یکم: مالکین هونات و عمارات حق منع از نصب اعلانات به در و دیوار عمارات خود دارند و هر گاه کسی بدون اجازه در املاک خاصه نصب اعلان کند مالک حق ابطال دارد.

ماده بیست و دویم: سوای اعلانات رسمی و اعلانات انتخابیه هر اعلانی باید تمبر دولتی بخورد و قیمت آن تمبر بر حسب عدد اعلان و قطع ورق آن مختلف می‌شود موافق قانونی که در باب تمبر وضع خواهد شد طفره آزادی حق تمبر باختلاف التزام شرعی از ده تومان الی پنجاه تومان مجازات می‌شود.

دست فروش

ماده بیست و سیم: هر کس بخواهد روزنامه و کتب در معابر شهر و گذر بگرداند و بفروشد باید خودش را به کدخدای محله خود معرفی کرده پته بگیرد واسم منزل، پدر و مدت اقامت در آن محله باید در روی پته نوشته



شود. پته مزبور مجانی است.

ماده بیست و چهارم: تقصیر در تحصیل تپه اجازه مذکور در ماده (۲۳) یا دادن تعرفه غلط و اسامی عوضی مرتکب را به پنج قران الی پانزده قران مجاناً ملتزم خواهد کرد در صورت تکرار تقصیر محکوم بحبس خواهد شد در یکروز الی سه روز.

ماده بیست و پنجم: دست فروش و دیگر از فروشندگان روزنامه- جات و لوايح و اعلانات و اوراق ممنوعه چه حاوی عبارات ممنوع باشد چه مشمول به تصویر و اشکال قبیحه ما خود به مسئولیت می باشند و نظمیه نظر بحفظ حقوق عمومی حق تعاقب و جلب ایشان را بمحکمه دارد.

فصل پنجم حدود تقصیر نسبت بجماعت

ماده بیست و ششم: نطق و قرائت لوايح و روزنامجات و دیگر مطبوعات در محافل عمومی یا نصب آنگونه مطبوعات یا مکتوبات بدر و دیوار و عرضه آنها بر انظار خلق بهر وسیله که بوده باشد مادامی که در آنها ترغیب و تشویق و تهییج خلق بارتکاب حنجه و جنایات شده باشد اعم از اینکه منشاء اثر بشود یا نشود مستوجب سیاست مرتکب خواهد بود و تشخیص حکومت عرفیه در محاکم عرفیه از دو ماه الی دو سال حبس خواهد شد.

ماده بیست و هفتم: تحریص و تهییج بسرقت و قتل و نهب و غارت یا تضعیف قدرت مملکتی در خارجه اعم از اینکه موثر شود یا نشود یکسال الی پنجسال حبس و سیاست خواهد شد.

ماده بیست و هشتم: سیاست اشخاصی که بانتشار اوراق و غیره باعث سلب امنیت و اختلاف آسایش عموم و انتظام داخله شوند همچنان اشخاصی که از



مرتکبین قتل و غارت و منشئین فتنه و آشوب تو تمجید کنند همانست که در ماده (۲۶-۲۷) مذکور شد.

ماده بیست و نهم: ترغیب و تشویق و تهییج اهل نظام بنافرمانی/و عدم انقیاد دو احکام نظامی در حکم ماده بیست و هفت است.

ماده سی: مرتکبین منتهیات مذکوره در مواد (۲۶ الی ۲۹) بحکم التزام شرعی از ده تومان الی هزار تومان مجاناً دادنی خواهندبود.

تقصیرات نسبت بافراد

ماده سی و یکم: توهین به مقام منبع سلطنت ممنوع قانونی است و تخلف از این قانون مرتکب را اگر مدیرین جراید باشند از سه ماه الی یکسال محکوم بحبس و یا بالتزام شرعی از ده تومان الی سیصد تومان دادنی خواهدکرد و اگر غیر از مدیرهای جراید هستند برحسب تشخیص عرفی مرتکب از سه ماه الی یکسال حبس خواهددشد. جریده یا لایحه که آن سو، ادب را کرده باشد یا مقاله مندرجه آن شامل انحلاف باشد توقیف خواهددشد و این توقیف ممکنست ابدی باشد.

ماده سی و دویم: جعل اخبار و مقالات فتنه‌انگیز و انتشار آنها و نسبت آنها بکسی به دروغ ممنوع است مدیر روزنامه و معاونین او در تخلف از این ماده بالتزام شرعی از پنج تومان الی صد تومان دادنی خواهندبود یا آنکه از یکماه الی یک سال حبس خواهنددشد.

ماده سی و سیم: مقالات مضره بمذهب و عقیده اسلامی هرکس در روزنامه یا اوراق دیگر درج کند از ده تومان الی سیصد تومان مجانی دادنی خواهدبود. روزنامه یا ورقه مذکوره اگر مستمر باشد از یکماه الی دوسال توقیف خواهددشد و صاحبش از یکماه الی دو سال حبس . طبع و انتشار و فروش اشکال قبیحه و مقالات مضره بعفت و عصمت یا مضره باخلاق در همین حکم خواهدبود.



مادهٔ سی و چهارم: هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیئت مادامی که مرتکب از ثبوت آن عاجز باشد و مطلقاً هر گونه تخفیف و تحقیر خواه به معنی باشد خواه بالفاظ نالایق مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود.

مادهٔ سی و پنجم: بموجب این ماده هر کس نسبتی از نسبتهای مندرجه در مادهٔ (۳۴) را بوسائلی که در ماده (۲۶) مذکور است (نطق لایحه درج مقاله در روزنامه جات) به یکی از محاکم عدلیه یا اجزاء ریبه یا انجمنها یا ادارات دولتی بدهد از ده تومان الی سیصد تومان مجانی دادنی خواهد بود و یا از هشت روز الی یکسال حبس خواهد شد. اگر وسیلهٔ انتشار آن نسبتها روزنامه باشد در مدت مشخصه توقیف خواهد شد. ممکن است انواع تنبیه و سیاست را در زمان واحد مقتضی بدانند بسته به نظر حاکم قضیه.

مادهٔ سی و ششم: همچنین است حکم نسبتهای مذکوره در مادهٔ (۳۴) هر گاه آن نسبتها بوزیری یا مبعوثی چه از وکلای مجلس شورای ملی چه از وکلای مجلس سنا یا یکی از کارگذاران امور دولتی یا از پیشوایان مذهب اسلام و وکلا و شهر در صورتی که نسبت و افتراء راجع به حیطة مسئولیت آنها باشد.

مادهٔ سی و هفتم: نسبت امور مذکوره در مادهٔ (۳۴) اگر به افراد ناس باشد مرتکب بموجب این ماده ملتزم است که از سه تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد وسیلهٔ ارتکاب هر گاه روزنامه باشد یک هفته الی شش ماه توقیف خواهد شد.

مادهٔ سی و هشتم: نوشتن فحش و الفاظ قبیحه اکیداً ممنوع است مرتکب بقید این التزام در صورت ارتکاب چهار تومان الی پنجاه تومان مجانی دادنی خواهد بود هر گاه آن تجاوزات نسبت باشخاص مذکور در مادهٔ (۳۵-۳۶) باشد اگر نسبت باشخاص مذکوره در مادهٔ ۳۷ باشد مرتکب ملتزم است که از سه



تومان الی سی تومان مجانی دادنی باشد در صورت تکرار تقصیر بعلاوه روزنامه از هفت روز الی سه ماه تعطیل خواهد شد بسته باینکه تخطیات از حقوق نسبت به کدام طبقه شده باشد.

مادهٔ سی و نهم: نسبت امور ممنوعه مذکوره در مواد این قانون باموات همچنان در مقابل ورثه آن موجب مسئولیت مرتکب خواهد شد که بفرآخور حال سیاست می‌شوند.

توهین و مجازات آن نسبت بسلاطین خارجه و مامورین سیاسی

مادهٔ چهلیم: توهین بسلاطین دول متخایه اکیداً ممنوع است و مرتکب ملتزم است که از ده تومان الی سیصد تومان مجاناً داده می‌باشد و یا از یک ماه الی یکسال حبس شود ولدی الا قضا جمع هر دو قسم سیاست ممکنست.

مادهٔ چهل و یکم: هتک احترامات مامورین خارجه و هیئت سیاسیون خارجه که در مملکت سمت نمایندگی دارند ممنوع و مرتکب ملتزم است که از پنج تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب از یک هفته الی سه ماه حبس خواهد شد.

مادهٔ چهل و دویم: شکایات اجزاء خارجه ممکن است مستقیماً با پلیس یا بواسطهٔ وزارت امور خارجه بوزارت عدلیه یا محکمهٔ عدلیه اظهار شود.

موادی که طبع و نشر آنها جایز نیست

مادهٔ چهل و سیّم: طبع و نشر مرافعاتی که محکمه برای حفظ ناموس نشر آنرا منع کرده مادامی که در محکمه علناً قرائت نشده است ممنوع است مرتکب ملتزم و ملزم است از پنج تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب غیر ملتزم از یک ماه الی یکسال حبس می‌شود ولی شکایت مدعی و حکم



قضیه را در هر حال روزنامه حق انتشار دارد. مادهٔ چهل و چهارم: مذاکرات محرمانهٔ محکمه را روزنامه حق انتشار ندارد و در صورت ارتکاب ملتزم است که از ده تومان الی دویست تومان مجاناً دادنی باشد.

مادهٔ چهل و پنجم: انتشار دستورالعملهای محرمانهٔ نظامی و اخبار مخفیہ قشونی و نقشه قلعجات خاصه در موقع جنگ اکیداً ممنوع است و مرتکب ملتزم است از ده تومان الی هزار تومان مجاناً دادنی باشد و از یکسال الی پنج سال حبس شود در صورتی که تقصیر با روزنامه‌نگار باشد روزنامه او نیز ابداً توقف گردد.

فصل ششم محاکمه

مادهٔ چهل و ششم: تجاوزات قانونی که بموجب سیاست مباشرین روزنامه و مطبعه و دیگر مطبوعات خواهد شد از طرف اداره انطباعات در معرض بازخواست درآمده در عدلیه مورد محاکمه خواهد شد. ادارهٔ نظمیه در تعاقب تقصیرات طبعیه با ادارهٔ انطباعات متفقاً اقدام خواهد کرد.

مادهٔ چهل و هفتم: هر گاه تخطیّات مطبوعات نسبت بحدود افراد و اشخاص باشد مداخله نظمیه یا عدلیه یا ادارهٔ انطباعات پس از تظلم طرف خواهد بود و هر گاه آن تخطیّات نسبت بعموم باشد از طرف ادارهٔ انطباعات یا پلیس رسماً اقدام خواهد شد.

مادهٔ چهل و هشتم: در موارد تخلف از فصول این قوانین مرتکبین علی قدر مراتب هم در مقابل قانون مسئول خواهند بود و سیاست مندرجه که بحکم الترام بر مرتکبین وارد است در حق آنها جاری خواهد شد (۱) اقدام کنندگان بطبع مدیران روزنامه و سایر جراید اصالّه (۲) دبیران روزنامه و جراید دیگر در صورت مسئولیت آنجا که تخلف از حدود ظهور نداشته باشد و مطلقاً در



صورت مساعدت آنها در اقدامات نامشروع منبیه مضره آنجا که تخلف از حدود ظهور داشته باشد مدیر روزنامه یا مطبعه باید جلوگیری کنند و بقبول مسئولیت دبیر رفع مسئولیت از ایشان نمی شود منتها دبیر هم مسئول است (۳) رئیس مطبعه (۴) فروشنده و نشر دهنده (۵) اعلان کننده مسئولیت این اشخاص مذکوره ۳ و ۴ و ۵ در وقتست که مشارکت با خیالات مضره مدیر و رئیس جریده و مطبعه نموده در ابقای فتنه و اشاعه فساد همدست باشد هر گاه یکی از متصدیان پنجگانه متواری شود سایرین علی قدر مراتبم مسئول خواهند بود هر گاه نویسنده مقاله در خارجه باشد و مقاله از منبیهات چیزی را حاوی باشد و بطبع برسد مطبعه و مدیر ورقه مسئول خواهند بود و اگر چیزی را حاوی باشد که ثبوت بخواهد مدیر روزنامه با مسئولیت شخصی حق درج دارد و والا فلا

ضبط و حبس روزنامه جات و غیره

مادهٔ چهل و نهم: مامورین وزارت معارف که برای روزنامه معین می شوند و پلیس حق دارند روزنامه و دیگر جراید را در موارد ذیل توقیف کنند (۱) آنجا که روزنامه یا جریده یا لایحه مضر با ساس مذهب اسلام باشد (۲) آنجا که در روزنامه یا جریده یا لایحه هتک احترامات سلطنت شده باشد (۳) آنجا که نقشه و طرح حرکت قشونی یا دیگر اسرار نظامی مکتشوف شده باشد (۴) آنجا که مندرجات روزنامه موجب هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی بشود (۵) آنجا که دعوت بر مضادات قوامی رسمیه مملکت شده باشد (۶) آنجا که اشاعهٔ صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت شده باشد.

مادهٔ پنجاهم: بقای توقیف و عدم بقای آن باید در بیست و چهار ساعت باطلاع محکمهٔ قانونی (دیوانخانهٔ محل) رسیده و حکم توقیف یا سبب توقیف یا آزادی روزنامه و غیره کتبا باید اعلان بشود.



ماده پنجاه و یکم: در مدت توقیف روزنامه یا جریده و سایر لوایح اشاعه مندرجات آن اکیداً ممنوع است و در تحت فصول این قانون نامه سیاست خواهد شد بسته باینکه به کدام فصل راجع باشد.

ماده پنجاه و دویم: قوانین مندرجه در این قانون نامه مطبوعات در طهران از ده روز بعد از اینکه این قوانین بدست خط همایونی موشح شده باشد و در ولایات پس از یکماه مجری خواهد شد.

این قانون تحت تاثیر قانون مطبوعات مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه نگاشته شده و براساس آن تسلیم اظهارنامه برای انتشار نشریه به وزارت انطباعات کافی بوده است.

اوضاع و احوال زمان تصویب اولین قانون مطبوعات ایران مصادف با سلطنت محمد علی میرزا است که در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۲۸۵ به سلطنت رسید. در تاریخ تصویب قانون مطبوعات، یک سال و چند روز از سلطنت محمد علی شاه می گذشت. مخالفت محمد علی شاه با اصول مشروطیت و قانون اساسی پس از به سلطنت رسیدن وی، شامل قانون مطبوعات نیز گردید.

برای حفظ و حمایت مطبوعات از تعرض پادشاه و عمال دست نشانده او لزوم وضع قانون احساس می شد و قبل از آن که قانونی برای آئین دادرسی و تشکیل دادگاه های جزایی وضع و مرجع رسیدگی برای تخلفات ناشی از قانون مطبوعات توسط شاه تعیین شود، مجلس ایران به وضع قانون مطبوعات مبادرت نمود. در زمان تصویب قانون مطبوعات دادگاهی برای تعقیب بزه های مطبوعاتی در ایران وجود داشته و این نیز مسلم است که قبل از ایجاد دادگاه هیچ کس به عنوان تخلف از قانون مطبوعات تحت تعقیب قرار نگرفته است.

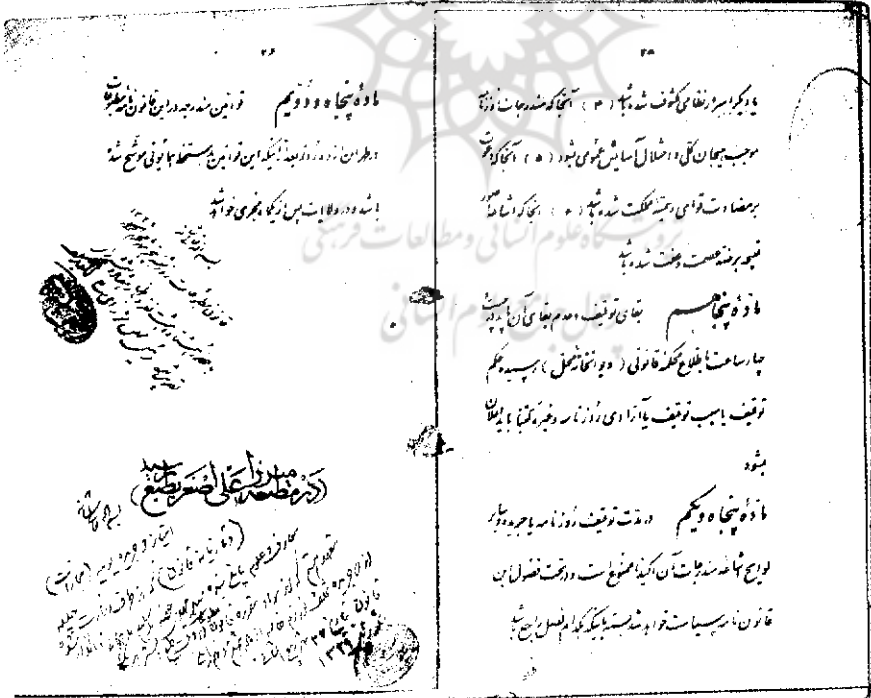


از سال ۱۲۹۹ به بعد به تدریج عملاً آزادی مطبوعات محدود گردید و برخلاف قانون، روزنامه‌ها توقیف گشتند. و بنابراین تا سال ۱۳۲۰ در دستگاه قضایی ایران سابقه و رویه در مقام اجرایی قانون مطبوعات یافت نمی‌شود.

۱۵ سال پس از تصویب قانون مطبوعات، مجلس چهارم مشروطه، دو ماده دیگر به صورت متمم به قانون مطبوعات افزود. این دو ماده ناظر به مطالب خلاف دین مبین اسلام بودند.

ماده اول مطبوعات را ملزم می‌ساخت که «هر وقت بخواهند در امور مربوط به دین اسلام و مذهب ... چیزی طبع نمایند، قبلاً به ناظر شرعیات ... مراجعه نمایند» ماده‌ی دوم نیز مجازات سرپیچی از این قانون را مشخص می‌ساخت.

این قانون در سال ۱۳۲۱ و در دوره نخست و زبیری احمد قوام بار دیگر اصلاح شد. از جمله‌ی این اصلاحات، پیش بینی داشتن «سرمایه‌ی علمی و اخلاقی» بود. از آنجا که تصدیق صلاحیت «صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله» در ماده اول



این قانون به عهده شورای عالی فرهنگ گذاشته شده بود. این اقدام در حقیقت نوعی تأیید برای نظام اخذ مجوز به شمار می‌رود. در فاصله سال‌های ۱۳۲۰ تا روی کار آمدن مصدق، تنها نیرویی که در مقابل اجانب ایستادگی می‌کرد، مطبوعات بود. در همین راستا، اقداماتی برضد مطبوعات توسط رژیم صورت می‌گرفت که بعضاً توقیف غیرقانونی بسیاری از آنان را شامل می‌شد.

پس از سوء قصد ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ به محمدرضا پهلوی، عده‌ای از روزنامه نگاران بازداشت شدند و متجاوز از ۵۰ روزنامه، توقیف شد. و به دنبال آن لایحه‌ای به مجلس ارائه شد که بر اساس آن روزنامه‌ای که به خاندان سلطنتی و دین اسلام توهین کند و یا مردم را به آشوب برانگیزد توقیف و ظرف ۲۴ ساعت به پرونده وی رسیدگی می‌شود.

اعلان رسمی وزارت معارف

حق تالیف از برای مؤلفین و مصنفین کافی است این کلیه
محفوظ است و بدون اذن مؤلف و مصنف کسی حق طبع

کتب جدید تالیف و تصنیف را ندارد

کتابی که حق طبع آنها با نظارت معارف

محفوظ شده است



با این اقدام، رژیم تلاش نمود که انتقاد از خانواده سلطنتی و شاه را نیز در ردیف توهین به مقدسات و قرآن قرار داده و مجازات مشابهی برای آن در نظر گرفت. از این پس نمایندگان مجلس تلاش فراوانی را جهت تدوین قانونی جدید در پیش گرفتند. تا این که در جلسه ۹۷ مجلس مورخ ۱۳ دی ۱۳۲۹ بحث درباره مطبوعات از سر گرفته شد. از این تاریخ تا ۱۵ بهمن ۱۳۳۱ که دکتر مصدق نخست وزیر وقت، لایحه جدید مطبوعات را تصویب کرد و به مرحله اجرا نهاد، به جز تصمیمات شاهانه یا دخل و تصرفهای سلیقه‌ای و وضع آئین نامه‌های اجرایی، تغییر چندانی در قوانین مطبوعاتی مشاهده نمی‌شود.

دومین قانون مطبوعات: لایحه قانونی ۱۵ بهمن ۱۳۳۱

با تحول اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور در سال‌های مربوط به نخست وزیری دکتر مصدق هر کس به دلیلی دگرگونی مقررات مطبوعاتی را ضروری می‌پنداشت. از این رو، مصدق که از مجلس هفدهم اختیارات ویژه و از جمله حق وضع قانون را کسب کرده بود، به تدوین و تصویب قانون جدید مطبوعات اقدام نمود. از آن جا که این قانون بر اساس اختیارات ویژه و نه از طریق قوه مقننه، تصویب و اجرا شده است آن را اصطلاحاً لایحه قانونی مطبوعات می‌نامند.

با این که لایحه قانونی مصوب ۱۳۳۱، در بخش جرایم مطبوعاتی تفاوت چندانی با قوانین قبلی نداشت، از جهات دیگر کاملتر به نظر می‌رسد. از مهم‌ترین قوانین موجود در این لایحه تاکید صریح بر لزوم اخذ مجوز برای انتشار نشریه از وزارت کشور (ماده ۲) و در نظر گرفتن گروهی شبیه به هیأت نظارت فعلی (ماده ۵) است. از دیگر ویژگی‌های این لایحه قانونی توجه به نقش سردبیر در مطبوعات است که براساس آن وی نیز باید شرایط مدیر و صاحب امتیاز را داشته باشد. (ماده ۷)

لایحه قانونی مصوب ۱۵ بهمن ماه سال ۱۳۳۱ که دومین قانون مطبوعات ایران به شمار می‌رود، در ۵ فصل و ۴۶ ماده و ۱۱ تبصره تصویب شده است. عناوین فصول این قانون به این صورت است:

۱- تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ۲- حق جوابگویی و آیین نامه‌های



۳- جرایم مطبوعاتی ۴- تخلفات ۵- دادرسی مطبوعاتی و هیات منصفه.
متن کامل این لایحه قانونی به شرح زیر است :

لایحه قانونی مطبوعات

فصل اول- تعریف و تاسیس روزنامه و مجله

ماده ۱- روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی بطور منظم و در موقع معین برطبق اجازه نامه طبع و نشر گردد.

ماده ۲- هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید.

ماده ۳- درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد:

الف- ایرانی باشد

ب- سن او از سی سال کمتر نباشد.

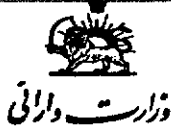
ج- سابقه محکومیت جنائی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد.

د- سواد خواندن و نوشتن فارسی بقدر کفایت داشته باشد.

تبصره- در صورتیکه موسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند الف یا بند ج این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

ماده ۴- درخواست کننده اجازه علاوه بر مدارک لازمه اظهارنامه‌ای شامل اطلاعات ذیل در تهران بوزارت کشور و در شهرستانها بفرماندار محل تسلیم خواهد نمود.





وزارت دارائی

اداره
بتاریخ ۱۳۳۳
شماره
پیوست

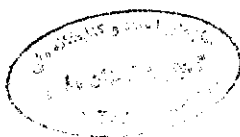
۳۸۴۹۴
۳۱ / ۱۱ / ۳۱

لایحه قانونی مطبوعات

فصل اول - تشریح و تاسیس روزنامه و مجله

- ماده ۱- روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و تفریحی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام الخفیه و انتقاد و اصلاح اندیشی در امور عمومی بطور منظم و در مواعین معین بر طبق اجازه نامه طبع و نشر گردد .
- ماده ۲- هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید .
- ماده ۳- درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد .
 - الف - ایرانی باشد .
 - ب - سن او از سی سال کمتر نباشد .
 - ج - سابقه حکومت جنائی یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد .
 - د - سواد خواندن و نوشتن فارسی بقدر کفایت داشته باشد .
- تیمبره - در صورتیکه موسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند الف یا بندی این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از درجه اعتبار ساقط میگردد .
- ماده ۴- درخواست کننده اجازه علاوه بر مدارک لازمه اظهارنامه ای شامل اطلاعات ذیل در تهران بوزارت کشور و در شهرستانها بفرماند ار محلی تسلیم خواهد نمود .
 - ۱ - نام و نام خانوادگی موسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر یا سردبیر را که مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد .
 - ۲ - محل اداره روزنامه یا مجله .
 - ۳ - نام و نشانی چاپخانه ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ میشود .
 - ۴ - نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که بومیه است یا هفتگی یا ماهانه .
 - ۵ - عده نسخه هائیکه از هر شماره چاپ میشود .
 - ۶ - روش روزنامه یا مجله .
- تیمبره- هر گونه تغییراتی که نسبت بموارد فوقی پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته با اطلاع وزارت کشور و فرماندار محلی برساند .

XX



نقش قلم در تاریخ معاصر ایران
۱۳۴



- ۱- نام و نام خانوادگی موسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد.
- ۲- محل اداره روزنامه یا مجله
- ۳- نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود.
- ۴- نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن یومیه است یا هفتگی یا ماهانه.
- ۵- عده نسخه‌هاییکه از هر شماره چاپ می‌شود.
- ۶- روش روزنامه یا مجله

تبصره- هر گونه تغییری که نسبت بموارد فوق پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته با اطلاع وزارت کشور و فرماندار محل برساند.

ماده ۵- درخواستهای تاسیس روزنامه یا مجله بوسیله هیئتی مرکب از مدیر کل وزارت کشور- رئیس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان طهران یا نماینده او رسیدگی می‌شود و نسبت بدرخواستهاییکه واجد شرایط قانونی باشد اجازه‌نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهد گردید.

تبصره ۱- مدت اعتبار اجازه نامه‌ها برای شروع انتشار ششماه است.

تبصره ۲- وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه‌ها و مجلاتی که اجازه آنها صادر شده است با مشخصات هر یک مرتباً ثبت می‌شود صدور اجازه براسامی مکرر یا نامناسب و مستهجن ممنوع است و به هیچ کس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک اجازه داده نخواهد شد.

ماده ۶- مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای اداره خود دفاتر محاسباتی پلمب شده بر طبق قانون تجارت تهیه نماید که کلیه مخارج و در آمد اداره منظمآ در آن ثبت گردد و بیلان سالانه در آمد و مخارج خود را بگواهی دادستان یا نماینده او رسانیده و در اولین شماره ماه سوم سال بعد برای اطلاع عامه انتشار دهد.

دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لااقل ششماه یک بار دفاتر مزبور را بازرسی و امضاء نماید.



ماده ۷- هر روزنامه و یا مجله ممکن است علاوه بر مؤسس مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد در اینصورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرر در ماده سوم باشند.

ماده ۸- در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی مؤسس و در صورتیکه مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد نام و نام خانوادگی مدیر و سردبیر و همچنین چاپخانه‌ایکه در آن بطبع میرسد قید شود در مورد کتب و رسالت نیز نام مولف یا مترجم و ناشر و همچنین نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن بچاپ رسیده پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود.

تبصره- مدیر هر روزنامه یا مجله مکلف است یک نسخه از روزنامه یا مجله خود را برای دادستان شهرستانی که روزنامه یا مجله در آن حوزه چاپ می‌شود مستقیماً و یا بوسیله پست سفارشی دو قبضه فرستاده و رسید بگیرد.

ماده ۹- وزارت خانه‌ها و موسسات دولتی و بنگاه‌هاییکه دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتیکه بخواهند نشریه مرتبی داشته باشند باید مدیر واجد شرایط معرفی کنند.

ماده ۱۰- اجازه‌نامه روزنامه‌ها و مجلاتی که تا تاریخ تصویب این لایحه یک سال تمام مرتب منتشر شده باشند بقوت خود باقی هستند وزارت فرهنگ مکلف است در ظرف یکماه از تصویب این لایحه قانونی فهرست آنها را با اطلاعات لازمه نسبت بهریک با دقت تهیه و به وزارت کشور بفرستد. مدیران روزنامه‌ها و مجلاتیکه یکسال تمام منتشر نشده‌اند می‌توانند در ظرف یکماه از تاریخ اجرای این لایحه قانونی درخواست خود را طبق مواد ۳ و ۴ وزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف ۲ ماه تکلیف این درخواستها را معلوم نماید.

مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که برطبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنان با مواد ۳ و ۴ منطبق نباشد اجازه نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است.

ماده ۱۱- هیچکس نمی‌تواند اجازه نامه روزنامه یا مجله خود را بدیگری واگذار



کند مگر اینکه آن شخص واجد شرایط مقرر شده و انتقال بتصدیق وزارت کشور برسد.

ماده ۱۲- در صورت فوت موسس چنانچه در میان وراث کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث و یا قائم مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه بنام او صادر می‌شود والا وراث می‌توانند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند.

فصل دوم- حق جوابگویی - آئین نامه‌های مطبوعاتی

ماده ۱۳- موسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مامورین رسمی یا غیر آنها هر گاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افتراء یا اخبار مخالف واقع نسبت بخود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است اینگونه توضیحات و جوابها را که بیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حروفی که مطلب اصلی را چاپ کرده مجاناً و بلا تاخیر بطبع برساند و نسبت بزائد بر آن میزان جواب دهنده حق الطبع معمولی را خواهد پرداخت همین تکلیف شامل روزنامه‌ها و مجلاتیکه مطالب مشتمل بر تهمت و افتراء یا اخبار مخالف واقع را از مطبوعات دیگر نقل نمایند خواهد بود. در صورتیکه روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابهای مجدد برای معترض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۴- وزارتخانه‌های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه‌ها طبع کتب و رسالات و اعلانات و کتابفروشیها و توزیع جراید و روزنامه فروش‌ها و همچنین نسبت بشرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آئین نامه‌های لازم را تهیه و بهیئت وزیران پیشنهاد نمایند در این آئین نامه‌ها برای توزیع و فروش روزنامه‌ها و مجلات و رسالاتی که بزبانهای خارجی و یا بزبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش‌بینی شود.



فصل سوم - جرائم مطبوعاتی

ماده ۱۵ - اشخاصی که بوسیله نشر مقالات و یا جعل اخبار مطبوعات مرتکب یکی از جرائم ذیل شوند بحبس تادیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌شوند.

الف - کسانیکه مردم را صریحاً تحریص و تشویق بخرابکاری و آتشسوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند.

ب - کسانیکه افسران و افراد ارتش را بنافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند.

در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب موثر واقع شود و جرائم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند الف و ب مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون همان جرم پیش‌بینی شده است.

ماده ۱۶ - اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ بوسیله مطبوعات فاش و منتشر کنند بحبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد بشتن ماه تا ۲ سال محکوم میشوند.

ماده ۱۷ - هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد سه ماه یا یکسال حبس تادیبی محکوم می‌شود.

ماده ۱۸ - هر کس بوسیله روزنامه یا مجله یا کتاب مردم را صریحاً بارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است تحریص تا تشویق نماید، در صورتیکه اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرائم محکوم خواهد شد و در صورتیکه اثری بر آن مترتب نشود بیگانه تا ۳ ماه حبس تادیبی با پرداخت دوهزار تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۹ - هر کس بوسیله مطبوعات از جرایم مذکور در مواد فوق یا مرتکبین آن اعمال بنحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند بجریمه نقدی از پنج هزار تا پنجاه



هزار ریال محکوم می‌شود.

ماده ۲۰- هر کس بوسیله روزنامه یا مجله بمقام سلطنت یا شخص شاه توهین کند به مجازات مندرج در بند یک ماده (۸۱) قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود.

ماده ۲۱- هر کس بوسیله مطبوعات نسبت بر رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود. مشروط بر اینکه در آن مملکت نیز در موارد مذکوره نسبت به ایران معامله متقابله شود.

ماده ۲۲- در جرائمی که ذیلا ذکر می‌شود:

الف- انتشار مقالات مضربه عفت عمومی یا مضربه اخلاق حسنه.

ب- انتشار صورقیبحه

ج- انتشار آگهی‌ها و یا عکسهای مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی.

د- انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات مراجع قضائی که قانونا انتشار آنها ممنوع است.

مرتکب بتادیبه یک‌هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۳- هر یک از افراد مردم اعم از مامورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت‌های توهین آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت بخود مشاهده نماید میتواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یا به دادگاه شکایت نماید مرتکب به ۲ماه تا ۶ماه حبس تادیبی و یازده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- در موارد فوق شاکی نیز میتواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارات را تعیین و مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۲- هر گاه انتشار و مطالب مذکوره در ماده فوق راجع باموات ولی



بقصد هتاکي بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید.

ماده ۲۴- هر کس بوسیله مطبوعات دیگری را تهدید بهتک شرف و حیثیت یا افشاء سری نماید در صورتیکه ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی باتقاضای انجام امری یا خود داری از انجام امری بوده است بحسب تادیبی از ۳ ماه یا یکسال و به پرداخت غرامت از یکهزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۵- هر کس بوسیله مطبوعات بوزراء یا معاونین و زارتخانه‌ها و یا یکی از مستخدمین دولت اعم از قضائی و اداری و لشگری و اعضاء دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و رؤساء و اعضاء انجمنهای شهرداری یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضاء هیئت منصفه و یا اعضاء اطاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر بسبب انجام وظائف محوله بانان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظائفشان مورد تهمت و افتراء قرار دهد بحسب تادیبی از ۳ ماه تا یکسال و بپرداخت غرامت از یکهزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد در مورد این ماده و همچنین در مورد ماده ۲۳ پس از شروع تعقیبات قانونی دادستان به متهم اخطار خواهد کرد مادام که تحت تعقیب کیفری است از نشر هر نوع مطلب مربوط به اهانت و یا افتراء درباره شاکی خودداری نماید در صورتیکه متهم با اخطار دادستان ترتیب اثر ندهد دادستان می‌تواند امر به توقیف روزنامه یا مجله صادر کند. متهم نیز می‌تواند از این دستور دادستان به دادگاه شهرستان محل شکایت نماید دادستان موظف است فوراً پرونده را بدادگاه بفرستد و دادگاه باید در ظرف ۳ روز پس از وصول پرونده بشکایت رسیدگی و رای مقتضی صادر کند. چنانچه دادگاه نظر دادستان را تایید نماید دیگر آن روزنامه یا مجله تا زمانیکه متهم تحت تعقیب کیفری است قابل انتشار نخواهد بود.

تبصره- افتراء و تهمت مذکور در این ماده بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است در صورتیکه اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در دادگاه



ثابت نماید از مجازات معاف است متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ده روز مدارک و شهود خود را برای اثبات نسبتهایی که داده است تسلیم و معرفی نماید در صورتیکه متهم دلایل اثبات اسناد خود را به دادسرا بدهد دلائل او اخذ و ضمیمه پرونده شده پس از صدور قرار مقتضی بدادگاه جنائی ارسال می‌گردد تا ضمن رسیدگی به اتهام متهم بدلائل تقدیمی او نیز رسیدگی شود.

ماده ۲۶- هر کس بوسیله مطبوعات به اقلیتهای مذهبی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را بایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند بیک ماه تا ششماه حبس تادیبی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۷- هر کس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد هزار تا پنج هزار ریال جزاء نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی می‌تواند خسارات خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی کند.

ماده ۲۸- در کلیه جرائم مذکوره در مواد فوق مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت ولی هرگاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد مدیر از تعقیب معاف است و اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز باشد یا خودداری کند و یا نویسنده قابل تعقیب جزائی نباشد خود مدیر تعقیب و مجازات خواهد باشد.

ماده ۲۹- در کلیه موارد مذکور در مواد فوق آنجا که جرم جنبه هتک حرمت یا توهین و یا افتراء نسبت باشخاص دارد تعقیب مرتکب منوط بشکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او است و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهد شد.

فصل چهارم - تخلفات

ماده ۳۰- هر کس برخلاف مواد ۲ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ و یا تبصره ۱ ماده پنجم این





لایحه قانونی مبادرت بانتشار روزنامه یا مجله کند پرداخت دو هزار تا ده هزار ریال محکوم میشود.

تبصره- در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می‌دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود.

ماده ۳۱- هر کس بر خلاف ماده ۶ یا ۸ یا ۱۳ این لایحه قانونی اقدام کند به پرداخت یک‌هزار تا پنجهزار ریال و یا دو ماه تا ششماه حبس تادیبی محکوم می‌شود.

ماده ۳۲- مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۸ مراعات نشده باشد قابل انتشار نیست و در صورت اقدام بانتشار از طرف مامورین انتظامی جمع آوری و ضبط خواهد شد. و در صورتیکه نام چاپخانه یا سایر نامهای مذکور در ماده ۸ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب بحد اکثر مجازات مذکوره در ماده ۳۱ محکوم می‌شود همین مجازات درباره مدیران چاپخانه‌هایی که ماده ۸ را رعایت نکنند اعمال می‌شود.

ماده ۳۳- نشریه‌ای که مشمول ماده اول این لایحه قانونی نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی‌کند و تابع قوانین عمومی است.

فصل پنجم - دادرسی مطبوعاتی - هیئت منصفه

ماده ۳۴- جرائمی که بوسیله روزنامه و یا مجله واقع می‌شود جرائم مطبوعاتی است.

ماده ۳۵- بجرائم مطبوعاتی و همچنین بجرائم سیاسی غیرمطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنائی دادگستری با حضور هیأت منصفه رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۶- مرجع شکایات مطبوعاتی دادرسی شهرستان هر محل است و دادرسی‌های مزبور پرونده را برای رسیدگی بدادگاه جنائی ارسال خواهند داشت.

ماده ۳۷- انتخاب هیأت منصفه و ترتیب شرکت اعضاء آن در رای دادگاه بطریق ذیل خواهد بود.

الف- هر دو سال یکبار در بهمن ماه در تهران و در مراکزی که دارای دادگاه استان است هیئتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (و در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ بدعوت فرماندار تشکیل می‌شود. هیئت مزبور در تهران صورتی از ۱۷۵ نفر طبقات هفتگانه ذیل:

۱- علماء و دانشمندان و نویسندگان.

۲- وکلای دادگستری و سردفتران.

۳- بازرگانان.

۴- دبیران و آموزگاران.

۵- ملاکین و کشاورزان.

۶- کارگران.

۷- اصناف و پیشه‌وران جزء

از هر طبقه فهرستی مشتمل بر ۲۵ نفر تهیه می‌کند اشخاص منظور در صورتها باید علاوه بر داشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگی مجلس شورای ملی بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورتها از هر طبقه دوازده نفر بقید قرعه برای عضویت هیئت منصفه انتخاب می‌شود و فرماندار مراتب را کتبا بکلیه ۸۴ نفری که برای عضویت هیئت منصفه انتخاب شده‌اند ابلاغ می‌نماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند. عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگر یک یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کنند هیئت مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۱۷۵ نفر از خان تکمیل و بجای افراد مستعفی بقید قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب می‌نماید سپس فرماندار آنان را بوسیله رئیس دادگاه استان بدادگاه جنائی محل معرفی می‌کند رئیس دادگاه استان تا نیمه اسفندماه همان سال صورت اعضاء هیئت منصفه را باید در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلان نماید و برای سایر



مراکز استانها عده اعضاء هیئت منصفه ۴۲ نفر مقرر می‌شود که بهمان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات هفتگانه در بدو امر ۱۲ نفر در فهرست منظور می‌شود) انتخاب و معرفی خواهند شد.

ب- در مورد هر محاکمه مطبوعاتی و یا سیاسی دادگاه جنائی در جلسه علنی خود با حضور دادستان استان ۷ نفر از اعضاء هیئت منصفه را از هر طبقه یک نفر بسمت عضو اصلی و ۷ نفر را بهمان ترتیب بسمت عضو علی‌البدل بقید قرعه انتخاب می‌نمایند کلیه اعضاء هیئت منصفه اعم از اصلی و علی‌البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده‌اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه یک یا چند نفر از اعضاء اصلی غائب و یا قانونا از شرکت ممنوع باشند وعده اعضاء علی‌البدل که حضور یافته‌اند زائد بر عده غائبین و یا معذورین باشد بمیزان احتیاج از اعضاء علی‌البدل بقید قرعه بجای کسری اعضاء اصلی انتخاب خواهد شد و در هر حال با حضور ۷ نفر از اعضاء اصلی یا علی‌البدل دادگاه قابل تشکیل است.

تبصره: کلیه انتخاباتی که تاکنون بر طبق مفاد لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۳۱/۹/۱۱ انجام شده باید با رعایت مقررات این لایحه قانونی تجدید شود. ماده ۳۸- دادگاه جنائی مرکب از پنج نفر دادرس و با حضور هیئت منصفه تشکیل می‌شود و مطابق مقررات آئین دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید. پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضاء هیئت منصفه متفقا بشور پرداخته درباره ۲ سؤال ذیل:

الف- آیا متهم گناهکار است

ب- در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر.

رای می‌دهند. در صورت تساوی آراء رای رئیس دادگاه با هر طرف که باشد قاطع است رئیس دادگاه فوراً بر طبق این رای موجها و با ذکر دلایل به انشاء حکم مبادرت می‌ورزد چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر گردد محکوم علیه می‌تواند در مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتیکه متهم تبرئه و



یا به مجازاتی محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله در صورتیکه قبلاً توقیف شده باشد بلافاصله و خودبه خود رفع توقیف خواهد شد.

تبصره: هرگاه در حین محاکمه اعضاء هیئت منصفه سئوالاتی داشته باشند سئوال خود را کتباً بدادگاه خواهند داد که بوسیله رئیس دادگاه مطرح گردد. ماده ۳۹- موارد رد اعضاء هیئت منصفه و شرایط آن همانست که قانوناً در مورد قضاوت پیش بینی شده است.

ماده ۴۰- هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا اثناء دادرسی بواسطه عدم حضور یک یا چند نفر از اعضاء هیئت منصفه تشکیل نشود رئیس دادگاه جنائی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مراکز استان در خارج از تهران عده هیئت منصفه را بحکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان بموضوع رسیدگی خواهد کرد قضاتیکه بعنوان هیئت منصفه بحکم قرعه انتخاب می شوند صرفاً جنبه عضویت هیئت منصفه را دارند و در صورت عدم حضور یا عدم شرکت در رای متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت.

ماده ۴۱- هریک از اعضاء دیگر هیئت منصفه که بحکم قرعه معین شده اند چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رای خودداری کنند بحکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت غرامت از بعضی یا تمام حقوق مذکوره ذیل از ششماه تا دو سال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد.

الف- حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداریها و بنگاهها و شرکت‌هایی که لاقلاً نصف سرمایه آنها متعلق بدولت باشد.

ب- حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمنهای نظارت انتخابات مجلسین.

ماده ۴۲- هیچ روزنامه و یا مجله‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان



توقیف یا تعطیل کرد مگر در موارد اتهامات زیر:

۱- آنجا که مضربه اساس دین اسلام باشد.

۲- آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد.

۳- آنجا که نقشه طرح حرکت قشون یا دیگر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد.

۴- آنجا که دعوت بعضیان در مقابل قوای رسمی مملکتی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد.

۵- آنجا که انتشار مقالات مضر به عفت یا اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت عمومی باشد.

در صورت موارد فوق دادستان شهرستان راساً یا بنا بر تقاضای فرماندار محل دستور توقیف روزنامه یا مجله یا کتاب و ضبط اوراق انتشار یافته را خواهد داد و در ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده امر را به دادگاه جنائی خواهد فرستاد دادگاه جنائی در جلسه فوق العاده در مدتی که بیش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت به رد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد. در صورتیکه دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف یک هفته نظر نهائی خود را نسبت به اصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت به اصل موضوع رسیدگی نماید.

تبصره- روزنامه‌هائی که بر طبق این ماده توقیف می‌شوند نمی‌توانند باسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که بجای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز بترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را بجای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند بحسب تادیبی از یکماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصدتا پنج هزار ریال محکوم می‌شوند و اجازه‌نامه آنان نیز باطل می‌گردد.

ماده ۴۳- در صورتیکه دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد.



ماده ۴۴- در جرائم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید و مهلتی که برای قرائت پرونده بوکیل مدافع و خود متهم داده می‌شود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت بتقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز قابل تمدید می‌باشد و از تاریخ انتقضای مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زائد بر (۱۲) ساعت نخواهد بود. شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از سه وکیل مدافع نمی‌توانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت حضور یک وکیل از هر یک از طرفین دعوی رسیدگی می‌کند.

ماده ۴۵- قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و لوایح قانونی و مقرراتی که با این مواد مغایرت داشته باشند لغو می‌شوند.

ماده ۴۶- وزارتخانه‌های کشور- دادگستری- و فرهنگ مأمور اجرای این لایحه قانونی هستند.

بر طبق قانون اعطای مصوب بیستم مرداد ماه ۱۳۳۱ لایحه قانونی مطبوعات مشتمل بر پنج فصل و (۴۶) ماده و (۱۱) تبصره تصویب می‌شود. به تاریخ ۱۵ بهمن ماه ۱۳۳۱- نخست وزیر دکتر محمد مصدق

اطلاع حاصل شد- کاظمی

به هر حال اعتبار این لایحه قانونی چندان نپایید و عمر کوتاه آن با تغییر شرایط سیاسی کشور و کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شمسی به پایان رسید. پس از سقوط دوکت دکتر مصدق، طی قانونی که مجلس دوره هجدهم تصویب نمود همه قوانینی که او با استفاده از اختیارات ویژه‌اش وضع کرده بود، باطل شمرده شد. لایحه قانونی مطبوعات هم از آن جمله بود.

پس از کودتا اغلب مطبوعات تعطیل شدند و باقیمانده آنها تحت سانسور شدید قرا گرفتند. دولت زاهدی خیلی زود سقوط کرد و در زمان دولت علا بود که قانون مطبوعات جدید از تصویب کمیسیون مشترک مجلس گذشت.



قابل ذکر است که منوچهر اقبال در دوران نخست وزیری خود، سازمان اطلاعات و امنیت کشور ساواک را بوجود آورد و این سازمان کنترل شدیدی را بر مطبوعات اعمال نمود.

سومین قانون مطبوعات:

پس از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تثبیت رژیم پهلوی، چهارمین قانون مطبوعات در سال ۱۳۳۴ شمس (۱۹۵۵ میلادی) به تصویب رسید.

بدیهی است شرایط پس از کودتا و تصمیم جدی برای محدود سازی فعالیت‌های مطبوعاتی و سیاسی فقدان قانون مطبوعات را بر نمی‌تابید. و به همین جهت کمیسیون ویژه‌ای متشکل از نمایندگان دو مجلس سنا و شورای ملی مامور تدوین چنین قانونی شدند. در نهایت نتیجه کار این کمیسیون، روز دهم مرداد ۱۳۳۴، به تصویب رسید و باز هم به نام لایحه قانونی شهرت یافت.

در این قانون به طور آشکار، اصل سیزدهم قانون اساسی مشروطه درباره مطبوعات و اصول مربوطه در مضمون قانون اساسی نادیده گرفته شد و آزادی مطبوعات نقض گردید. این قانون که تا زمان سقوط پادشاهی پهلوی لازم‌الاجرا بود، سانسور را به بدترین وجه ممکن بر مطبوعات تحمیل کرده بود.

سومین قانون کشور در ۵ فصل و ۴۲ ماده به تصویب رسید. عناوین فصول آن بدین ترتیب است: ۱- تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ۲- حق جوابگویی-آیین‌نامه‌های مطبوعاتی ۳- جرائم ۴- تخلفات ۵- دادرسی مطبوعات-هیات منصفه

متن کامل لایحه قانونی مصوب ۱۰ مرداد ۱۳۳۴ که قوانین قبلی را باطل اعلام می‌نمود، بدین شرح می‌باشد:

لایحه مربوط به مطبوعات که بموجب قانون تمدید قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات که در تاریخ هشتم مرداد ماه ۳۴ با اصلاحاتی بتصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده و تا تصویب نهائی مجلسین قابل اجرا می‌باشد ذیلاً ابلاغ می‌گردد:



فصل اول - تعریف و تأسیس روزنامه و مجله

ماده ۱- روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین طبع و نشر گردد. تبصره- نشر فوق‌العاده اختصاص بر روزنامه‌ها و مجله‌هایی دارد که بطور مرتب منتشر می‌شوند.

ماده ۲- هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تأسیس نماید باید از وزارت کشور اجازه بگیرد.

ماده ۳- درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد.
الف- ایرانی باشد.

ب- سن او از سی سال کمتر نباشد.

ج- سابقه محکومیت جنائی و یا محکومیت حبسه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد.

د- لاقبل لیسانسه باشد و یا از فضلا و دانشمندانی که مراتب فضل و دانش آنها از نظر روزنامه‌نگاری از طرف شورای عالی فرهنگ گواهی شده باشد.

ه- معروف بدرستی و امانت و دارای حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی برای روزنامه‌نگاری باشد.

و- توانائی مالی اداره کردن حداقل سه ماه نشریه مورد تقاضا را داشته باشد
تشخیص این موضوع بعهده کمیسیون مندرج در ماده ۵ می‌باشد.

تبصره ۱- برای اجرای مفاد بند در تهران کمیسیونی مندرج در ماده (۵) مراتب را از وزارت کشور استعلام و رسیدگی می‌نماید و در شهرستانها کمیسیونی مرکب از استاندار یا فرماندار محل و دادستان شهرستان یا نماینده او و رئیس فرهنگ محل و دو نفر از نمایندگان انجمن شهر و در صورت نبودن انجمن دو



نفر از معتمدین محل (بر طبق دعوت استاندار یا فرماندار) به اطلاعات مکتسبه رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید.

تبصره ۲- در صورتیکه مؤسس روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند الف یا بند (ج) این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از طرف وزارت کشور لغو می‌گردد و چنانچه فاقد شرط مندرج در بند ه این ماده بشود در تهران بکمیسیون مندرج در ماده (۵) و در شهرستانها بکمیسیون مندرج در تبصره یک موضوع ارجاع و چنانچه رای کمیسیون مبنی بر لغو امتیاز باشد محکوم علیه می‌تواند بدادگاه استان محل شکایت نماید- حکم دادگاه استان در اینمورد قطعی است.

تبصره ۳- امتیازاتیکه تا این تاریخ برای روزنامه‌ها و مجلات داده شده بقوت خود باقی است بشرط اینکه در چهار سال اخیر لاقلاً یکسال مرتباً منتشر شده باشد و صلاحیت اخلاقی صاحب امتیاز مورد تصویب کمیسیون مندرج در ماده ۵ این قانون واقع گردد نظر این کمیسیون در اینمورد قطعی است.

تبصره ۴- مدیر یا سردبیر روزنامه یا مجله باید واجد شرایط مذکور در بندهای الف- ب- ج- د- ه- باشد و در صورتیکه فاقد یکی از شرایط مذکور در بند الف یا ج یا ه این ماده بشود نسبت به وی طبق تبصره ۲ همین ماده عمل خواهدشد.

تبصره ۵- مستخدمین دولت و بنگاههاییکه با سرمایه دولت تشکیل شده یا می‌شود و همچنین مستخدمین شهرداریها مادام که شاغل خدمت می‌باشد حق داشتن امتیاز و انتشار روزنامه یا مجله نخواهند داشت مگر مجله علمی، ادبی، فنی، هنری.

ماده ۴- درخواست کننده امتیاز علاوه بر مدارک لازم اظهارنامه‌ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و در شهرستانها به فرمانداری محل تسلیم خواهد نمود.

۱- نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر و یا سردبیر. اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد با ذکر نشانی کامل منزل.



۲- محل اداره روزنامه یا مجله.

۳- نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود.

۴- نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه.

۵- عده نسخه‌هائیکه از هر شماره چاپ می‌شود.

۶- روش روزنامه یا مجله.

تبصره ۱- هر گونه تغییری که صاحب امتیاز بخواهد نسبت به موارد ۱- ۴ و ۶ بدهد باید قبلاً موافقت وزارت کشور را جلب نماید.

تبصره ۲- محل اداره روزنامه یا مجله از لحاظ تخلف و جرائم مطبوعاتی اقامتگاه قانونی صاحب امتیاز شناخته می‌شود و هر گونه اظهار و احضار و ابلاغ بمحل مذکور قانونی است.

ماده ۵- درخواست‌های تاسیس روزنامه یا مجله بوسیله کمیسیون مطبوعات رسیدگی می‌شود و اعضاء این کمیسیون بقرار ذیل است:

۱- نماینده عالی رتبه وزارت کشور.

۲- نماینده عالی رتبه وزارت فرهنگ.

۳- دادستان استان.

۴- یکنفر استاد دانشگاه بان‌تخاب رئیس دانشگاه برای مدت ۲ سال.

۵- یک نفر روزنامه‌نگار که لاقلاً پنج سال مرتب روزنامه منتشر کرده باشد بان‌تخاب وزارت کشور (بعد از تشکیل انجمن روزنامه‌نگاران که از طرف دولت به رسمیت شناخته شده باشد) انتخاب یک نفر روزنامه‌نویس بعهدہ انجمن مزبور خواهد بود).

تبصره ۱- درخواست‌های تاسیس روزنامه یا مجله بوسیله کمیسیون مزبور مورد رسیدگی واقع خواهد شد این کمیسیون پس از تشخیص واجد بودن شرایط مذکور در ماده ۳ و تحقیق صلاحیت اخلاقی از هر طریق که مقتضی بداند تقاضا را قبول یا رد می‌نماید نسبت به درخواست‌هائیکه مورد موافقت واقع می‌شود وزارت کشور امتیاز انتشار روزنامه یا مجله را خواهد داد. کمیسیون مکلف است حداکثر در ظرف سه ماه تصمیم خود را دایر بر رد یا قبول درخواست



به متقاضی اعلام نماید و در صورت رد تقاضا متقاضی می‌تواند بدادگاه استان مرکز شکایت کند و رای دادگاه استان قطعی است.

تبصره ۲- مدت اعتبار امتیاز روزنامه یا مجله برای شروع انتشار شش‌ماه است و اگر بعد از انتشار تا یکسال منتشر نگردد امتیاز روزنامه و مجله ملغی است. تبصره ۳- وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه و مجلاتیکه امتیاز آنها صادر شده است با مشخصات هریک ثبت نماید.

تبصره ۴- کمیسیون مطبوعات اسامی مکرر و نامناسب و مستهجن را رد خواهد کرد و همچنین نسبت به موارد درخواست می‌تواند توضیحات کاملی بخواهد و مدارک لازمه را مطالبه نماید تقاضا کننده اجازه نمی‌تواند نام روزنامه‌هاییکه سابقاً منتشر گردیده برای نشریه خود بدون موافقت صاحب امتیاز انتخاب بنماید.

تبصره ۵- برای انتشار روزنامه و مجله پیش از یک امتیاز بکسی داده نخواهد شد ولی صاحبان امتیاز روزنامه‌های یومیه مرتب‌الانتشار می‌توانند مجله هفتگی و ماهانه و سالانه بهمان نام منتشر نمایند. مجلات هفتگی نیز می‌توانند مجله ماهانه و سالانه بهمان نام منتشر نمایند.

ماده ۶- در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز سردبیر و مدیر (در صورتیکه سردبیر و مدیر داشته باشد) و همچنین محل اداره نشریه و نام و نشانی چاپخانه‌ایکه در آن بطبع می‌رسد قید شود.

تبصره - مدیران روزنامه‌ها و مجلات مکلفند از هر شماره نشریه خود اعم از روزنامه و مجله یک نسخه به دادستان شهرستان و یک نسخه به فرماندار محل (در مرکز به اداره مطبوعات کشور) و یک نسخه به فرهنگ محل (در مرکز به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و یک نسخه به کتابخانه ملی تهران و کتابخانه مجلسین بمحض انتشار تسلیم نماید.

ماده ۷- واگذار کردن امتیاز روزنامه یا مجله بدیگری بشرط اینکه شخصی که امتیاز به او واگذار می‌شود در صورتیکه واجد شرایط باشد با موافقت کمیسیون منظور در ماده ۵ مانعی ندارد.



ماده ۸- در صورت فوت صاحب امتیاز چنانچه در میان وراث کسی متقاضی نشر روزنامه یا مجله و واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراث یا قائم مقام قانونی آنان امتیازنامه به نام او صادر می‌شود و الا نام روزنامه یا مجله برای وراث قانونی تا زمانیکه واجد شرایط در بین آنان پیدا شود محفوظ خواهد بود. وراث قانونی می‌تواند طبق ماده (۷) عمل نماید.

فصل دوم- حق جوابگویی - آئین نامه‌های مطبوعاتی

ماده ۹- مؤسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هر گاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار برخلاف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتباً برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است اینگونه توضیحات و جوابها را در همان صفحه و با حروفیکه مطالب اصلی را چاپ کرد مجاناً بطبع برساند مشروط بر اینکه جواب از دو برابر اصل مطلب تجاوز ننماید و متضمن توهین به کسی نباشد در صورتیکه روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مذکور مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابگویی مجدد بطریق مذکور فوق برای معترض محفوظ خواهد بود.

ماده ۱۰- وزارتخانه‌های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه‌ها و اعلانات و توزیع جراید و روزنامه فروشی و همچنین نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آئین نامه‌های لازم را تهیه و به هیئت وزیران پیشنهاد نمایند.

در این آئین نامه‌ها برای توزیع و فروش روزنامه و مجلاتیکه به زبانهای خارجی و یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود.

فصل سوم- جرایم

ماده ۱۱- کسانیکه بوسیله نشر مقالات یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب به یکی





از جرائم ذیل شوند به حبس تادیبی از ۶ ماه تا دو سال محکوم می‌شوند.
الف- کسانیکه مردم را صریحاً تحریص و تشویق بخرابکاری و آتشسوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند.

ب- کسانیکه افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند.

در موارد مذکور این ماده چنانچه تحریص و ترغیب موثر واقع شود و جرائم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند الف و ب به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون جرم پیش‌بینی شده‌است.

ماده ۱۲- اشخاصیکه دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ بوسیله مطبوعات فاش و منتشر کنند بحبس مجرد از دو تا پنجسال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد به ششماه تا دو سال محکوم می‌شوند.

ماده ۱۳- هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود.

ماده ۱۴- هر کس بوسیله روزنامه یا مجله مردم را صریحاً به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی و یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتیکه اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرائم محکوم خواهد شد و در صورتیکه اثری بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تادیبی بعلاوه به پرداخت دوهزار ریال تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۱۵- هر کس بوسیله مطبوعات از جرائم مذکور در موارد فوق و یا مرتکبین آن اعمال بنحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از پنجهزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود.

ماده ۱۶- هر کس بوسیله روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر به مقام سلطنت یا شخص شاه یا ملکه یا بولیعهد توهین کند بمجازات از یک تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود.

تبصره- مجازات توهین به خاندان سلطنت (پدر- مادر- اولاد- برادر و خواهر پادشاه) از سه ماه تا یکسال حبس تادیبی خواهد بود.

ماده ۱۷- هرگاه در روزنامه یا مجله یا هرگونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین آمیز و یا افترا و یا برخلاف واقع و حقیقت خواه به نحو انشاء یا بطور نقل قول نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود مدیر روزنامه یا نویسنده هر دو مسئول و هر یک از یک سال تا سه سال به حبس تادیبی محکوم خواهد شد و رسیدگی به این اتهام تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.

ماده ۱۸- هر کس بوسیله مطبوعات نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می شود مشروط بر اینکه در آن مملکت نیز در موارد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل شود.

ماده ۱۹- در جرائمی که ذیل ذکر می شود:

الف- انتشار مقالات مضر بعفت عمومی و یا مضر باخلاق حسنه.

ب - انتشار صور قبیحه.

ج - انتشار آگهیها و یا عکسهائی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی.

د- انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات

مراجع قضایی که قانوناً انتشار آنها ممنوع است.

مرتکب بتدبیه یکهزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۰- هر یک از افراد مردم اعم از مامورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبتهای توهین آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن - نسبت بخود مشاهده نماید می تواند از نویسنده یا ناشر آن بدادسرا یا بدادگاه محل اقامت خود شکایت نماید. مرتکب بدو ماه تا شش ماه حبس تادیبی یا از ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد و در صورت استرداد شکایت شاکی خصوصی تعقیب موقوف



خواهد شد.

تبصره ۱- در موارد فوق شاکی نیز می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت بان رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد.

تبصره ۲- هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع باموات ولی بقصد هتاک یا بازماندگان آنان باشد هریک از ورثه قانونی می‌تواند برطبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید.

ماده ۲۱- هر کس بوسیله مطبوعات دیگری را تهدید بهتک شرف و حیثیت یا افشاء سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است بحبس تا دویی از سه ماه تا یکسال و پرداخت غرامت از یکهزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۲- هر کس بوسیله روزنامه یا مجله و یا نشریه هیئت وزراء یا هیئت نمایندگان یکی از مجلسین یا هیئت قضات را مورد افترا و توهین قرار دهد بدون شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و چنانچه توهین و افترا بوزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا یکی از قضات یا یکی از مستخدمین دولت اعم از اداری - لشکری و اعضاء دیوان محاسبات یا افراد عادی باشد با شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب واقع خواهد شد چنانچه اسناد دهنده در بازپرسی نتوانست دلائل و مدارک کافی برای توجه اتهام به وزیر یا معاون یا نمایندگان مجلسین یا قضات ارائه دهد متهم طبق ماده ۱۶۳ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد و در مورد سایر افراد بااستناد ماده ۲۶۹ مفتری مجازات خواهد شد.

مادام که متهم در مراحل بازپرسی و دادگاه مورد تعقیب است روزنامه مزبور حق ندارد نسبت بمورد رسیدگی توهین و افترا مطلبی نشر دهد.

گذشت شاکی خصوصی در مورد توهین به وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان



مجلسین یا مستخدمین دولت و اعضاء دیوان محاسبات و افراد عادی موجب عدم تعقیب و مجازات متهم خواهد شد.

ماده ۲۳- هر کس بوسیله مطبوعات باقلیتهای مذهبی مصرح در قانون اساسی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نمایدو یا آنرا بایجاد دشمنی و نفاق نژادی یا مذهبی تحریص کند به یکماه تا شش ماه حبس تا دیبسی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد.

ماده ۲۴- هر کس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا سرلوحه روزنامه دیگر تقلید نماید که سوء استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا پنج هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی می تواند خسارت خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت بان رسیدگی کند.

تبصره - روزنامه‌هایی که بر طبق مقررات این قانون توقیف می‌شوند نمی‌توانند به اسامی دیگر و یا همان سبک و اسلوب منتشر شوند در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ایکه بجای روزنامه یا مجله توقیف شده انتشار یافته است نیز بترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را بجای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند بحبس تا دیبسی از یکماه تا سه ماه و جریمه نقدی از یکهزار تا ده هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنها نیز باطل می‌گردد.

ماده ۲۵- در کلیه جرائم مذکوره در موارد فوق طبق اصل بیستم متمم قانون اساسی رفتار خواهد شد.

فصل چهارم - تخلفات

ماده ۲۶- هر صاحب امتیاز بر خلاف مواد ۲ یا ۶ یا ۷ یا ۸ یا ۹ و یا تبصره یک ماده ۴ و تبصره ۳ ماده پنجم این قانون مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کند پرداخت ده هزار تا پنج هزار ریال محکوم می‌شود. و در صورتی که قادر



پپرداخت جریمه نباشد به نظر دادگاه بحبس تا دویی از پانزده روز تا دو ماه محکوم خواهد شد.

تبصره - در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می‌دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود.
ماده ۲۷- مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۶ مراعات نشده باشد از یک تا سه هزار ریال محکوم می‌شود و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نامهای مذکور در ماده ۶ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به مجازات ۲ تا ۶ ماه حبس تا دویی محکوم می‌شود.

تبصره - دارندگان امتیاز روزنامه و مجله‌ای که بجهتی از جهات مندرجه در این قانون امتیاز آنها لغو شده باشد حق ندارند به هیچ عنوان خود را روزنامه‌نگار معرفی کنند و در صورت تخلف بحبس تا دویی از ۳ تا ۶ ماه محکوم خواهند شد.

ماده ۲۸- نشریه‌ای که مشمول ماده اول این قانون نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی‌کند و تابع قوانین عمومی است.
ماده ۲۹- بتخلفات و جرائم مندرجه در این فصل در دادگاه جنحه و خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

فصل پنجم - دادرسی مطبوعات - هئیت منصفه

ماده ۳۰- جرم مطبوعاتی عبارتست از توهین و افترا بوسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام یا شغل رسمی یا رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی بشخص یا اشخاص انتقاد از روش سیاسی و اداری بوسیله روزنامه - مجله یا نشریه نسبت به مسئولین و متصدیان امور دولتی و اشخاص نامبرده در ماده ۲۲ که از لحاظ مصالح عمومی صورت می‌گیرد جرم محسوب نمی‌شود. ذکر جملات توهین آمیز و افترا و هتک حیثیت و شرف یا ناموس و فحش و ناسزا بشخص و یا بستگان شخص جرم مطبوعاتی محسوب نشده و برطبق مقررات عمومی قانون جزا و این قانون قابل تعقیب خواهد بود.



ماده ۳۱- جرائم مطبوعاتی و همچنین جرائم سیاسی غیر مطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنائی دادگستری با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود و جرائم غیر مطبوعاتی در دادگاه جنحه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

ماده ۳۲- مرجع شکایات مطبوعاتی دادسرای شهرستان هر محل است و دادسراهای مزبور پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنائی ارسال خواهند داشت.

ماده ۳۳- انتخاب هیئت منصفه و ترتیب شرکت اعضاء آن در رای دادگاه بطریق ذیل خواهد بود.

الف- هر دو سال یک بار در بهمن ماه در تهران و در مراکزی که دارای دادگاه استان است هیئتی مرکب از فرماندار و رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (و در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ به دعوت فرماندار تشکیل می‌شود هیئت مزبور در تهران صورتی از هفتاد و پنج نفر طبقات سه گانه ذیل.

۱- علما و دانشمندان و نویسندگان و دبیران و آموزگاران و وکلای دادگستری و سردفتران.

۲- بازرگانان و ملاکین و کشاورزان.

۳- کارگران و اصناف و پیشه‌وران جزء.

از هر طبقه فهرستی مشتمل بر بیست و پنج نفر تهیه می‌کند اشخاص منظور در صورتها باید علاوه بر داشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگان مجلسین شورایملی بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورتها از هر طبقه دوازده نفر با قرعه برای عضویت هیئت منصفه انتخاب می‌شود و فرماندار مراتب را کتباً بکلیه ۳۶ نفری که برای عضویت هیئت منصفه انتخاب شده‌اند ابلاغ می‌نماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگر یک یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کند هیئت مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۷۵ نفر از خارج



تکمیل و بجای افراد مستعفی با قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب می‌نماید سپس فرماندار آنان را بوسیله رئیس دادگاه استان بدادگاه جنائی محل معرفی می‌کند. رئیس دادگاه استان تا نیمه اسفندماه همان سال صورت اعضاء هیئت منصفه را باید در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار اعلان نماید و برای سایر مراکز استانها عده اعضاء هیئت منصفه ۱۸ نفر مقرر می‌شود که بهمان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات سه گانه دربدو امر شش نفر در فهرست منظور می‌شود) انتخاب و معرفی خواهند گشت.

ب- در مورد هر محاکمه مطبوعاتی و یا سیاسی دادگاه جنائی در جلسه مقدماتی خود با حضور دادستان استان یا نماینده و سه نفر از اعضاء هیئت منصفه را از هر طبقه یکنفر به سمت عضو اصلی و سه نفر را بهمان ترتیب به سمت عضو علی‌البدل با قرعه انتخاب و دعوت می‌نماید کلیه اعضاء هیئت منصفه اعم از اصلی و علی‌البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده‌اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه یک یا چند نفر از اعضاء اصلی غایب و یا قانوناً از شرکت ممنوع باشند و عده اعضاء علی‌البدل که حضور یافته‌اند زاید بر عده غایبین و یا معذورین باشد به میزان احتیاج از اعضاء علی‌البدل با قرعه بجای کسری اعضاء اصلی انتخاب خواهند شد و در هر حال با حضور سه نفر از اعضاء اصلی یا علی‌البدل خواه ابلاغ بسایرین شده یا نشده باشد دادگاه قابل تشکیل است.

ماده ۳۴- دادگاه جنائی برای رسیدگی بجرائم مطبوعاتی مرکب از سه نفر دادرس و با حضور هیئت منصفه تشکیل می‌شود و مطابق مقررات آئین دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضاء هیئت منصفه متفقاً بشور پرداخته درباره دو مطلب ذیل:

الف- آیا متهم گناهکار است.

ب- در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر؟

رای می‌دهند در صورت تساوی آراء رای رئیس دادگاه با هر طرف که باشد قاطع است رئیس دادگاه فوراً بر طبق این رای موجها و با ذکر دلائل بانشاء



حکم مبادرت می‌ورزد چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر کرد محکوم علیه می‌تواند در مدت ده روز از تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتی که متهم تبرئه و یا به مجازاتی محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله در صورتی که قبلاً توقیف شده باشد بلافاصله و خودبخود رفع توقیف خواهد شد.

تبصره - هرگاه در حین محاکمه اعضاء هیئت منصفه سئوالاتی داشته باشند سئوال خود را کتباً بدادگاه خواهند داد که بوسیله رئیس دادگاه مطرح گردد. ماده ۳۵ - موارد رد اعضاء هیئت منصفه و شرایط آن همانست که قانوناً در مورد قضاات پیش‌بینی شده است.

ماده ۳۶ - هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتداء یا اثناء دادرسی بواسطه عدم حضور یک یا چند نفر از اعضاء هیئت منصفه تشکیل نشود رئیس دادگاه جنائی در جلسه علنی از بین قضاات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضاات حاضر در مرکز استان در خارج از تهران عده هیئت منصفه را بحکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان بموضوع رسیدگی خواهد کرد. قضا تی که بعنوان هیئت منصفه بحکم قرعه انتخاب میشوند صرفاً چند عضویت هیئت منصفه را دارند و در صورت عدم حضور یا عدم شرکت در رای متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت.

ماده ۳۷ - هریک از اعضاء دیگر هیئت منصفه که بحکم قرعه معین شده‌اند چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رای خودداری کنند بحکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم بپرداخت مبلغی از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت وجه از بعضی باتمام حقوق مذکوره ذیل از شش ماه تا دو سال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد.

الف - حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداریها و بنگاهها و شرکتهای که لاقلاً نصف سرمایه آنها متعلق به دولت باشد.



ب - حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمنهای نظارت انتخابات مجلسین.

ماده ۳۸- هیچ روزنامه و یا مجله‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف یا تعطیل کرده مگر در مواردی که در این قانون ذکر شده و موارد اتهامات زیر:

۱- آنجا که مضر با اساس دین اسلام باشد.

۲- آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد.

۳- آنجا که نقشه طرح حرکت قشون یا دیگر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد.

۴- آنجا که دعوت بعصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد.

۵- آنجا که انتشار مقالات مضر بعفت عمومی یا اشاعه صور قبیحه بر ضد عصمت و عفت عمومی باشد. در موارد فوق دادستان شهرستان رأساً یا بنا بر تقاضای فرماندار محل دستور توقیف روزنامه یا مجله و ضبط اوراق انتشار یافته را خواهد داد و در ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده امر را به دادگاه جنائی خواهد فرستاد دادگاه جنائی در جلسه فوق‌العاده در مدتی که بیش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت برد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف یک هفته نظر نهائی خود را نسبت باصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت به اصل موضوع رسیدگی نماید .

تبصره - روزنامه‌هائی که بر طبق این ماده توقیف می‌شوند نمی‌توانند باسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند و در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که بجای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز بترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را بجای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند بحبس تا دویی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از



پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنان نیز باطل می‌گردد.
ماده ۳۹- در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از
روزنامه رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۴۰- در جرائم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید و
مهلتی که برای قرائت پرونده بوکیل مدافع و خود متهم داده می‌شود بیش
از سه روز نخواهد بود و این مدت با تقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز
قابل تمدید می‌باشد و از تاریخ امضاء مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید
بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر
نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زائد بر دوازده ساعت
نخواهد بود و شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از سه نفر و کیل مدافع
نمی‌توانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت حضور یک و کیل از هر یک طرفین
دعوی رسیدگی می‌کند.

ماده ۴۱- قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتی که با
این مواد مغایرت داشته باشد لغو می‌شوند.

ماده ۴۲- وزارتخانه‌های کشور - دادگستری مأمور اجراء این لایحه قانونی
هستند.

بموجب قانون تمدید تبصره قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق
ناشیه از اختیارات لایحه قانونی مربوط بمطبوعات که در تاریخ دهم مردادماه
یکهزار و سیصد و سی و چهاربه تصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده
موقتاً قابل اجرا می‌باشد.

رئیس مجلس سناء سید حسن تقی زاده

رئیس مجلس شورایملی. رضا حکمت

اصل لایحه قانونی در دفتر نخست وزیر است. نخست وزیر

وزارت دارائی

«اداره حسابداری دانشکده پزشکی و بیمارستانها





شماره

ماه ۱۳۳

تاریخ

وزارت دارائی

- ۱۳ -

نباید بیشتر از ده روز باشد و تلفس در این محاکمات زائد بر دوازده ساعت نخواهد بود و شاکبی
 خصوصی و مشتم بر کد ام بیشتر از سه نفر وکیل مدافع نمیتوانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت
 حضوریات وکیل از هر یک از طرفین دعوی رسیدگی میکند *

ماده ۴۱ - قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتیکه با این مواد منافیست
 داشته باشد لغو میشوند *

ماده ۴۲ - وزارتخانههای کشور، دادگستری، مال و اجراء این لایحه را سونی میکنند *

بموجب قانون تمدید تیرماه قانون الحاق کلیه تواریخ مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات
 لایحه قانونی مربوط به مطبوعات که در تاریخ دهم مرداد ماه یکم هزار و سیصد و سی و نهها تصویب
 گردید اینها را مشترکاً مجلسین رسیده و موقتاً قابل اجرا میباشد *

رئیس مجلس سنا * سید حسن تقی زاده رئیس مجلس شورای ملی * رضا حکمت
 امین لایحه قانونی در دفتر نخست وزیر است نخست وزیر *

رونوشت لایحه قانونی مطبوعات که مشتمل بر پنج فصل و چهل و شش
 ماده و یازده تبصره می باشد و در تاریخ پانزدهم بهمن ماه یک هزار و سیصد و سی و
 یک به تصویب جناب آقای نخست وزیر رسیده است جهت اطلاع بضمیمه فرستاده
 می شود.

دفتر وزارتی»

«وزارت دارائی»

اداره کل دفتر وزارت دارائی

عطف بنامه شماره ۴۰۶۷۷-۳/۸/۳۴ بدینوسیله لایحه مربوط به مطبوعات که

نقش قلم در تاریخ معاصر ایران

۱۷۴



۲۱
۱۲۷

اداره
تاریخ ۱۳۳
شماره / ک ۱۰۰۹۵
.....
..... ۱۳۳۴ / ۸ / ۲۴



وزارت دارائی
کتابخانه

اداره کل دفتر وزارت دارائی

حفظ بنامه شماره ۶۷۷-۴۰-۳ / ۸ / ۳۴ بدینوسیله
لایحه مربوط به مطبوعات که بموجب قانون تمدید قانون
انحاء کلیه لویج مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات
در تاریخ هشتم مرداد ماه / ۳۴ با اصلاحاتی بتصویب
کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده و تائید مصوب نهایی مجلسین
قابل اجرا میباید شد تلوا ارسال میگردد .

رئیس کل دفتر نخست وزیر
۲۹۲۴۳

۱۳۳۴ / ۸ / ۲۰

رونوشت بضمیمه رونوشت لایحه قانونی مطبوعات جهت اطلاع
با اداره ~~سازمان اسناد و کتابخانه ملی~~ ~~سازمان اسناد و کتابخانه ملی~~ فرستاده میشود .
رئیس اداره مراسلات و بیگانی کل . کشوری

وزارت دارائی
کتابخانه

سازمان اسناد و کتابخانه ملی

اداره کل دانشگاه
پزشکی و بیمارستانها
شماره ۲۱۸۷۷
تاریخ ۱۳۳۴ / ۸ / ۲۴

...



بموجب قانون تمدید قانون الغاء کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات در تاریخ هشتم مردادماه/۳۴ با اصلاحاتی بتصویب کمیسیونهای مشترک مجلسین رسیده و تا تصویب نهائی مجلسین قابل اجرا می‌باشد تلو ارسال می‌گردد.

رئیس کل دفتر نخست وزیر:

۲۹۲۴۳ - ۲۰/۸/۱۳۳۴

رونوشت: بضمیمه رونوشت لایحه قانون مطبوعات جهت اطلاع با اداره حسابداری دانشکده پزشکی و بیمارستانها فرستاده می‌شود.
رئیس اداره مراسلات و بایگانی کل کشوری»

قوانین مطبوعات پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ مطبوعات، ناگهان از کمند سانسور رهایی یافته و از لحاظ کیفیت و کمیت متحول شدند. مهمترین تحول کمی مطبوعات کشور، افزایش تعداد و شمارگان آن‌ها در ماه‌های آغازین پس از انقلاب اسلامی بود. در آن زمان، گروه‌ها، سازمان‌ها، احزاب، انجمن‌ها و دسته‌های مختلف برای ترویج افکار و عقاید خود به انتشار نشریات روی آوردند و نشریات جدید بدون دریافت هرگونه مجوزی از سوی دولت منتشر می‌شدند. به همین دلیل در خرداد ۱۳۵۸ لایحه پیشنهادی مهندس بازرگان در خصوص قانون مطبوعات در روزنامه‌ها منتشر شد اما این لایحه جنبه قانونی نداشت.

نخستین لایحه قانون مطبوعات در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ قبل از تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، از تصویب شورای انقلاب گذشت. با نیم‌نگاهی به این لایحه قانونی، تاثیر شرایط جدید و انقلابی در تدوین آن به خوبی مشهود است. ممنوعیت مقامات حکومت پیشین از انتشار نشریه، تکمیل اعضای هیات نظارت بر مطبوعات، به رسمیت شناختن تشکلهای صنفی روزنامه‌نگاری و بالاخره توجه به هیات منصفه و نحوه انتخاب آن برای حضور در دادرسی‌های مطبوعاتی از ویژگی‌های اساسی این



مصوبه به شمار می‌رود. به موجب آن، انتشار نشریات به اخذ پروانه انتشار از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موکول گردید.

تائید صلاحیت متقاضی در کمیسیونی که به این منظور از نماینده ناشران، نویسندگان، دیوان عالی کشور، استادان دانشگاه تهران، حوزه علمیه قم، وکلای دادگستری تشکیل می‌شد، بررسی می‌گردید. محدودیت‌ها و موارد ممنوعیتی که مطبوعات مکلف به رعایت آن بودند و نیز مجازات مربوط به تخلف از این موارد در آن قانون ذکر شده بود.

پس از این تاریخ است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به تصویب می‌رسد و در اصول متعددی به دفاع از حیثیت و رسالت مطبوعات، آزادی بیان و چگونگی محاکمات مطبوعاتی پرداخته می‌شود. با توجه به این اصول است که تشکیل مجلس شورای اسلامی نوید بخش تصویب قانونی جدید و کامل در این زمینه شد.

جنگ تحمیلی که در دومین سال پس از پیروزی انقلاب رخ داد، فراز و نشیب‌های فراوانی را در عرصه‌های مختلف از جمله فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و مطبوعاتی به دنبال داشت و همین مساله تدوین قانون مطبوعات را به تعویق انداخت.

از آن جایی که لایحه قانونی مصوب شورای انقلاب مورد توجه قرار نگرفته بود، اعضای کمیسیون درصدد نظرخواهی و ارائه طرح دیگری برآمدند و بدون آن که نامی از هیأت منصفه ببرند در دی ماه ۱۳۶۴ به مجلس تقدیم نمودند.

پس از تصویب طرح پیشنهادی کمیسیون ارشاد در ۳۰ دی ماه ۱۳۶۳ مسائل و نکات انتقادی گوناگونی درباره آن از سوی محافل و افراد ابراز گردید که ناچار ارائه آن برای شور دوم به جلسه علنی مدت‌ها معوق ماند و طی این مدت نیز در خلال جلسات متوالی و مکرر کمیسیون ارشاد با حضور پیشنهاددهندگان، صاحب‌نظران، اهل فن، اصلاحات فراوانی در متن طرح مصوبه داده شد. به این ترتیب، چهارمین قانون مطبوعات در اسفند ۶۴ و در اوضاع و شرایط یاد شده و هم زمان با اوج‌گیری شرایط بحرانی کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، تشکیل هیأتی به نام «هیأت نظارت بر مطبوعات» پیش‌بینی شد که هم تصمیم‌گیری در دادن امتیاز پروانه انتشار برای متقاضی نشریه



و هم نظارت بر عملکرد مطبوعات بر عهده آن گذاشته شد.
قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴، در ۳۶ ماده و ۲۳ تبصره و در ۶ فصل در ۲۲ اسفند ۱۳۶۴ به تصویب مجلس و در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۶۴ به تأیید شورای نگهبان رسید.
فصول این قانون بدین صورت است: ۱- تعریف مطبوعات ۲- رسالت مطبوعات
۳- حقوق مطبوعات ۴- حدود مطبوعات ۵- شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه
۶- جرایم مطبوعاتی
متن کامل این قانون به شرح زیر است:

قانون مطبوعات

«وزارت ارشاد اسلامی»

قانون مطبوعات که در جلسه روز پنجشنبه بیست و دوم اسفندماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسید و طی نامه شماره ۱/۸۹۲۱ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۸ ریاست جمهوری به نخست وزیر واصل گردیده است جهت اجرا به پیوست ابلاغ می گردد.

نخست وزیر - میرحسین موسوی»

قانون مطبوعات

«ن» **والقلم و مایسترون ... سوگند به قلم و آنچه می نویسند.**
«قرآن کریم»

«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آنکه مغل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آنرا قانون معین می کند.»

«قانون اساسی اصل ۲۴»



فصل اول - تعریف مطبوعات

ماده ۱- مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که بطور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر اینها منتشر می‌شوند.

تبصره - انتشار فوق‌العاده اختصاص به نشریه‌ای دارد که بطور مرتب انتشار می‌یابد.

فصل دوم - رسالت مطبوعات

ماده ۲- رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد. عبارتست از:

الف- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده ۱.

ب - پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج- تلاش برای نفی مرزبندی‌های کاذب و تفرقه‌انگیز و قراردادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته‌بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و ...

د - مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تبذیر، لغو، تجمل‌پرستی، اشاعه فحشاء و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی.

ه - حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی نه غربی.

تبصره - هریک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ‌وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

قانون سوم - حقوق مطبوعات

ماده ۳- مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادها، توضیحات



مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد.

ماده ۴- هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ۵- کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که بمنظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

فصل چهارم - حدود مطبوعات

ماده ۶- نشریات جز در موارد اخلاص به میانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند آزادند:

۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲- اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

۳- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴- ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، بویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

۵- تحریص و تشویق افراد گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.

۶- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحضامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی



بدون مجوز قانونی.

۷- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸- افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند. اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹- سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) بنحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود موارد فوق را آیین‌نامه مشخص می‌کند).

تبصره - سرقت ادبی عبارتست از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو بصورت ترجمه. ماده ۷- موارد ذیل ممنوع است.

الف- چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو گردیده و یا بدستور دادگاه بطور موقت یا دائم تعطیل گردیده است.

ب - انتشار نشریه بگونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است.

ج - انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که بطور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.

د - انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن.

ه - مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی هیئت نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود نمی‌باشند.

فصل پنجم - شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده ۸- انتشار نشریه به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و



اخذ پروانه از وزارت ارشاد اسلامی آزاد است.

تبصره - مطبوعاتی که از طرف سازمانهای آزادیبخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می‌شود می‌تواند با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیر ایرانی در چارچوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند.

ماده ۹ - شخص حقیقی متقاضی صاحب امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد:
۱- تابعیت ایران.

۲- دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن.

۳- عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر.

۴- عدم اشتها به فساد اخلاق و سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد.

۵- داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزه‌ای به تشخیص هیئت نظارت موضوع ماده ۱۰ این قانون.

تبصره ۱- متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را بعنوان مدیر مسئول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید.

تبصره ۲- برای نشریات داخلی یک سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد تنها اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده ۲ این قانون کافی است.

تبصره ۳- با یک پروانه نمی‌توان بیش از یک نشریه منتشر کرد.

تبصره ۴ - صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه بعهدہ مدیر مسئول خواهد بود.

تبصره ۵- نخست وزیران، وزیران، استانداران، امرای ارتش و شهرداری، ژاندارمری، رؤسای سازمانهای دولتی، مدیران عامل و رؤسای هیئت مدیره شرکتها و بانکهای دولتی و کلیه شرکتها و مؤسساتی که شمول حکم در مورد آن مستلزم ذکر نام است، نمایندگان مجلس، سفرا، فرمانداران، شهرداران، رؤسای



انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها، اعضای ساواک، رؤسای دفاتر رستاخیز در تهران و مراکز استانها و شهرستانها و وابستگان به رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل مذکور بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات، رادیو تلویزیون با سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده‌اند، از انتشار نشریه محرومند.

ماده ۱۰- اعضا هیئت نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی می‌باشند، عبارتند از:

الف- یکی از قضات دیوانعالی کشور به انتخاب شوراییعالی قضایی.

ب- وزیر ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار وی.

ج- یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس.

د- یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

ه- یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان.

تبصره ۱- این هیئت ظرف دو ماه پس از تصویب این قانون در دور اول و در دوره‌های بعد ظرف یکماه قبل از اتمام مدت مقرر برای مدت دو سال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود.

تبصره ۲- جلسات هیئت با حضور دو سوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات متخذه با اکثریت مطلق اعضا معتبر خواهد بود.

تبصره ۳- هیئت نظارت پس از رسیدگی‌های لازم نظر خود را جهت اجرا به وزیر ارشاد اسلامی اعلام می‌دارد.

تبصره ۴- وزارت ارشاد اسلامی مسئول دعوت و برگزاری جلسه انتخابات موضوع بند «ه» این ماده است و مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخابات مزبور براساس شرایط مندرج در صدر این ماده هیئت سه نفری مرکب از افراد بندهای الف و ب و ج می‌باشند، این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا خواهد بود. (الحاقی ۱/۴/۱۳۶۵).

ماده ۱۱- رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و



مدیر مسئول بعهدہ هیئت نظارت بر مطبوعات است.

مادہ ۱۲- هیئت نظارت راساً بہ درخواست وزیر ارشاد اسلامی موارد تخلف نشریات را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و در صورت لزوم جهت پیگرد قانونی تقاضای کتبی خود را بہ دادگاہ صالح تقدیم می‌دارد.

مادہ ۱۳- هیئت نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماہ از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریہ دربارہ صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگیهای لازم را انجام دادہ و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواہد جهت اجرا بہ وزیر ارشاد گزارش نماید، و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف ۲ ماہ از تاریخ موافقت ہیئت نظارت برای متقاضی پروانہ انتشار صادر کند.

مادہ ۱۴- در صورتی کہ مدیرمسئول شرایط مندرج در مادہ ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود و یا استعفا دہد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف سه ماہ شخص دیگری را کہ واجد شرایط باشد بہ وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر اینصورت از انتشار نشریہ او جلوگیری می‌شود، تا زمانی کہ صلاحیت مدیر بہ تأیید نرسیدہ است، مسئولیتهای مدیر بہ عہدہ صاحب امتیاز است.

مادہ ۱۵- اعلام نظر ہیئت نظارت مبنی بر تأیید یا عدم تأیید مدیر مسئول جدید، حداکثر سه ماہ از تاریخ معرفی توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود. مادہ ۱۶- صاحب امتیاز موظف است ظرف مدت شش ماہ پس از صدور پروانہ، نشریہ مربوطہ را منتشر کند و در غیر اینصورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزدہ روز دیگر در صورت عدم عذر موجہ اعتبار پروانہ از بین می‌رود، عدم انتشار منظم نشریہ در یکسال نیز اگر بدون عذر موجہ (بہ تشخیص ہیئت نظارت) باشد، موجب لغو پروانہ خواهد بود.

تبصرہ- نشریہایکہ سالانہ منتشر می‌شود (سالنامہ) از مادہ فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یکسال بدون عذر موجہ پروانہ صاحب امتیاز لغو خواهد شد.

مادہ ۱۷- پروانہ‌هاییکہ بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شدہ



است به اعتبار خود باقی است، مشروط بر اینکه ظرف سه ماه از تاریخ اجرا این قانون، صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود، با این قانون اقدام نماید.

ماده ۱۸- در هر شماره باید نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی اداره و چاپخانه‌ای که نشریه در آن به چاپ می‌رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود، چاپخانه‌ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند.

ماده ۱۹- نشریات در چاپ آگهی‌های تجاری که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که بر حسب قوانین رسمیت داشته باشند، تأیید گردد با رعایت ماده ۱۲ آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می‌باشند.

تبصره- در مواردی که طبق این ماده، مطبوعات مجاز به درج آگهیهای مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویق نمی‌تواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود.

ماده ۲۰- هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی می‌نماید.

تبصره- کلیه مطبوعات مکلفند، همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتباً به وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند.

ماده ۲۱- مدیران چاپخانه‌ها در تهران و شهرستان‌ها مکلفند از هر شماره نشریه خود دو نسخه به وزارت ارشاد اسلامی بطور مرتب و رایگان ارسال نمایند.

ماده ۲۲- ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن براساس موازین شرعی و قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است.

ضوابط ورود و خروج آن ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.



فصل ششم - جرایم

ماده ۲۳- هر گاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یکماه کتیباً برای همان نشریه بفرستد. و نشریه مزبور موظف است اینگونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، بشرط آنکه جواب از دوبرابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افتراء به کسی نباشد.

تبصره ۱- اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است. درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آنرا ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود.

تبصره ۲- پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج گردد، بشرط آنکه حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد.

تبصره ۳- در صورتیکه نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد شاکی می‌تواند به دادستان عمومی شکایت کند و دادستان در صورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هر گاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می‌کند.

ماده ۲۴- اشخاصی که اسناد و دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح بوسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.

ماده ۲۵- هر کس بوسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی



برضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است، تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۶- هر کس بوسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتیکه به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۷- هر گاه در نشریه‌ای به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.

تبصره- رسیدگی به جرایم موضوع ماده ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.

ماده ۲۸- انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.

ماده ۲۹- انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون، افشا آن مجاز نیست ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۳۰- انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبتهای توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است، مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد، و تعقیب جرایم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.

تبصره ۱- در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه



خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید.

تبصره ۲- هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکي به بازماندگان وی بحساب آید، هریک از ورثه قانونی می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید. ماده ۳۱- انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف یا حیثیت و یا افشار اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.

تبصره- در مورد مواد ۳۰، ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد، در صورت تخلف دادستان عمومی باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود.

ماده ۳۲- هرکس در نشریه‌ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد.

مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست داده‌اند نیز می‌شود.

ماده ۳۳- هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود، بطوریکه برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار نشریه جلوگیری و مرتکب طبق نظر حاکم شرع محکوم می‌شود، تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

ماده ۳۴- به جرایم ارتكابی بوسیله مطبوعات در دادگاه صالحه با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۵- آیین نامه اجرایی این قانون ظرف حداکثر شش ماه توسط وزارت



ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

قانون فوق مشتمل بر سی و شش ماده و بیست و سه تبصره در جلسه روز پنجشنبه بیست و دوم اسفندماه یکهزار و سیصد و شصت و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. «رئیس مجلس شورای اسلامی - اکبر هاشمی»

روزنامه رسمی شماره ۱۲۲۸۳-۱۳/۲/۶۶-۵/۲/۱۳۶۶ شماره ۱۱۱۶۴۸

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۴ نخستین اقدام برای تغییر قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ به بهانه رفع ابهام از برخی موارد ولی در حقیقت برای افزودن محدودیت‌های قانونی با ارائه پیش‌نویس طرحی که به امضای ۱۷ نماینده مجلس رسیده بود شکل گرفت. اما این طرح که قانون مطبوعات را به کلی دگرگون می‌ساخت با اعتراض روزنامه‌نگاران و حقوقدانان و واکنش‌های شخصیت‌های فرهنگی کشور و افکار عمومی روبرو شد و سرانجام به درستی کنار نهاده شد. از مواردی که مورد اعتراض روزنامه‌نگاران بود، دادن حق لغو پروانه نشریات به هیأت نظارت، مشروط کردن انتقاد بر مطبوعات به دارا بودن منطق و استدلال و استناد به داده‌های واقعی، منوط کردن سبک‌آزاری داخلی و خارجی به مواردی چون افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه و تغییر در ترکیب هیأت نظارت به نفع یک جریان خاص سیاسی بود.

در پاییز ۱۳۷۴، مرکز پژوهش‌های مجلس که کارشناسی طرح‌ها و لوایح و پیشنهاد طرح‌های جدید از وظایف آن است متنی را به عنوان پیش‌نویس قانون مطبوعات در قالب ماده واحده‌هایی منتشر نمود که مهمترین ویژگی آن خارج کردن چهاردسته از جرائم و تخلفات مطبوعاتی از حیطه صلاحیت دادگاه‌های مطبوعاتی بود که لازمه تشکیل و رسمیت آن حضور هیأت منصفه است. جرایم و تخلفاتی نظیر فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران، ایجاد تفرقه مابین افسار جامعه و نشر الحاد و مخالف موازین اسلام از جمله این موارد است.

متن یاد شده نیز با اعتراض گسترده روزنامه‌نگاران و حقوقدانان و اصحاب



مطبوعات، به سرنوشت پیش‌نویس قبلی دچار شد و در زمستان ۱۳۷۷ رسماً اعلام شد که مسکوت خواهد ماند.

در بهار ۱۳۷۸ تغییر قانون مطبوعات مجدداً در دستور کار برخی جناح‌های سیاسی و نمایندگان مجلس پنجم قرار گرفت و طرحی با امضای نماینده مجلس برای اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ به مجلس ارائه گردید. این طرح نیز با مخالفت نهادهای مطبوعاتی و تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران و حتی برخی از ارگان‌های سیاستگذار در عرصه مطبوعات روبرو شد. این طرح برای چند ماه مسکوت گذاشته شد اما بالاخره در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۷۹ به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی رسید و پس از تایید شورای نگهبان از سوی رئیس‌جمهور برای اجرا ابلاغ شد. اکنون این طرح به قانون اصلاح قانون مطبوعات تبدیل شده و در عرصه حقوقی حکمفرماست.

قانون مطبوعات اصلاحی سال ۱۳۷۹ مشتمل بر ۴۸ ماده و در ۸ فصل تنظیم شده است. فصول آن همان فصول مربوط به قانون اساسی ۱۳۶۴ را شامل می‌شود که ۲ فصل هیات منصفه مطبوعات و موارد متفرقه به آن افزوده شده است. متن کامل اصلاحیه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ به شرح زیر است:

قانون مطبوعات مصوب سال ۲۸/۱۲/۶۴ و طرح اصلاحی مصوب ۱۳۷۹

قانون مطبوعات در جلسه روز پنجشنبه بیست و دوم اسفندماه یک‌هزار و سیصد و شصت و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و طرح اصلاحی آن در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۳۰/۱/۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و شورای نگهبان در تاریخ ۷/۲/۱۳۷۹ با آن موافقت نموده است.

از قانون مطبوعات

«ن» و القلم و مایسترون ... سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.

«قرآن کریم»



«نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آنکه مغل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آنرا قانون معین می‌کند.»

«قانون اساسی اصل ۲۴»

فصل اول: تعریف مطبوعات

ماده ۱- مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و سایر اینها منتشر می‌شوند.

تبصره ۱- انتشار فوق‌العاده اختصاص به نشریه‌ای دارد که به طور مرتب انتشار می‌یابد.

تبصره ۲- نشریه‌ای که بدون اخذ پروانه از هیأت نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است.

(۱ و ۲ الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

تبصره ۳- کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است.

فصل دوم - رسالت مطبوعات

ماده ۲- رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد. عبارت است از:

الف- روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یک.

ب- پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است.

ج- تلاش برای نفی مرزبندیهای کاذب و تفرقه‌انگیز و قرارندادن اقشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر، مانند دسته‌بندی مردم براساس نژاد، زبان، رسوم، سنن محلی و ...

د- مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری (اسراف، تیزیر، لغو، تجمل‌پرستی، اشاعه فحشاء و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی.

ه- حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی، نه غربی.



تبصره - هریک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق‌الذکر سهیم و با موارد دیگر به هیچ‌وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

فصل سوم : حقوق مطبوعات

ماده ۳- مطبوعات حق دارند نظرات، انتقادات سازنده، پیشنهادهای، توضیحات مردم و مسئولین را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند.

تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب می‌باشد.

ماده ۴- هیچ مقام دولتی و غیر دولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند.

ماده ۵ - کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است.

تبصره ۱- متخلف از مواد (۴) و (۵) به شرط داشتن شاکی به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

تبصره ۲- مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم‌الاتباع است در صورت تخلف، دادگاه می‌تواند نشریه متخلف را موقتاً تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی نماید.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

تبصره ۳- مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدید آورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون



حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان می‌باشد.

فصل چهارم : حدود مطبوعات

ماده ۶- نشریات جز در موارد اخلاف به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی که در این فصل مشخص می‌شوند، آزادند:

۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند.

۲- اشاعه فحشاء و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی.

۳- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر.

۴- ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه، به ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی.

۵- تحریص و تشویق افراد گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج.

۶- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحضامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی.

۷- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید.

۸- افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند. اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد.

۹- سرقت‌های ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) بنحوی که تبلیغ از آنها باشد. (حدود



موارد فوق را آیین‌نامه مشخص می‌کند.)

تبصره ۱- سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل

توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه

۱۰- استفاده ابزاری از افقراد در تصاویر و محتوی و تحقیر و توهین به جنس زن ، تبلیغ، تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

۱۱- پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

۱۲- انتشار مطالب علیه اصول قانون اساسی.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

تبصره ۲- متخلف از مواد مندرج در این ماده مستوجب مجازاتهای مقرر در

ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب

تشدید مجازات و لغو پروانه می‌باشد.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

ماده ۷- موارد ذیل ممنوع است:

الف- چاپ و انتشار نشریه‌ای که پروانه برای آن صادر نشده و یا پروانه آن لغو

گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است.

ب- انتشار نشریه به گونه‌ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی

به نوع آن متعهد شده است.

ج- انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت

یا دائم تعطیل شده‌اند از نظر نام، علامت و شکل اشتباه شود.

د- انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و نشانی اداره

نشریه و چاپخانه آن.

تبصره- مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات مجاز به چاپ و انتشار و

عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی هئیت نظارت مغایر با اصول مندرج در

این قانون تشخیص داده شود نمی‌باشند.



فصل پنجم: شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه

ماده ۸- انتشار نشریه به مسئولیت اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت ارشاد اسلامی آزاد است. استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیر مستقیم ممنوع و جرم محسوب می گردد.
(اصلاحی ۷۹/۱/۳۰)

تبصره ۱- مطبوعاتی که از طرف سازمان های آزادیبخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می شود می تواند با سرمایه و مسئولیت اشخاص غیر ایرانی در چارچوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند.

تبصره ۲- کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی غیردولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد شد.
(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

تبصره ۳- واگذاری امتیاز نشریه به غیر از اعم از قطعی، شرطی، اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می شود مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیات نظارت.
(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

ماده ۹- الف- شخص حقیقی متقاضی صاحب امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد:

- ۱- تابعیت ایران.
- ۲- دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن.
- ۳- عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر.
- ۴- عدم اشتها به فساد اخلاق و سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد.
- ۵- داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و با پایان سطح در علوم حوزه‌ای به



تشخیص هیئت نظارت موضوع ماده ۱۰ این قانون.

۶- پایبندی و التزام عملی به قانون اساسی.

الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰.

ب- اشخاص حقیقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط ذیل باشند:

۱- مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشد و در اساسنامه و یا

قانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشد.

۲- زمینه فعالیت نشریه مرتبط به زمینه فعالیت شخص حقوقی بوده و محدوده

جغرافیایی انتشار آن همان محدوده جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد.

(قسمت ب ماده ۶: الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

تبصره ۱- متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان

مدیر مسئول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید.

تبصره ۲- برای نشریات داخلی یک سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی

که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان در اختیار آنان قرار می‌گیرد تنها

اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده ۲ این قانون کافی است.

تبصره ۳- با یک پروانه نمی‌توان بیش از یک نشریه منتشر کرد.

تبصره ۴- صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسئول است و مسئولیت

یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می‌رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به

عهده مدیر مسئول خواهد بود.

تبصره ۵- نخست وزیران، وزیران، استانداران، امرای ارتش و شهربانی،

رئیس‌جمهوری، رؤسای سازمانهای دولتی، مدیران عامل و رؤسای هیئت مدیره

شرکتها و بانکهای دولتی و کلیه شرکتها و مؤسساتی که شمول حکم در مورد آن

مستلزم ذکر نام است، نمایندگان مجلس، سفرا، فرمانداران، شهرداران، رؤسای

انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها، اعضای ساواک، رؤسای دفاتر

رستخیز در تهران و مراکز استانها و شهرستانها و وابستگان به رژیم سابق که

در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل مذکور

بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات، رادیو تلویزیون



با سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده‌اند، از انتشار نشریه محرومند.

تبصره ۶- هیأت نظارت موظف است جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول از مراجع ذیصلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) استعلام نمایند. مراجع مذکور موظفند حداکثر تا دو ماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر به هیأت نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر صلاحیت آنان تأیید شده تلقی می‌گردد.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

تبصره ۷- مسؤولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسؤولیت نافی مسؤولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

تبصره ۸- اعضاء و هواداران گروههای ضدانقلاب و یا گروههای غیر قانونی و محکومین دادگاههای انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضد انقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

ماده ۱۰- اعضاء هیئت نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مؤمن به انقلاب اسلامی می‌باشند، عبارتند از:

الف- یکی از قضات به انتخاب رئیس قوه قضائیه.

(اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

ب- وزیر ارشاد اسلامی یا نماینده تام‌الاختیار وی.

ج - یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس.

د - یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.



ه - یکی از مدیران مسئول مطبوعات به انتخاب آنان.

و - یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه قم.
(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

ز - یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا.
(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

تبصره ۱ - این هیئت ظرف دو ماه پس از تصویب این قانون در دور اول و در دوره‌های بعد ظرف یک ماه قبل از اتمام مدت مقرر برای مدت دو سال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود.

تبصره ۲ - جلسات هیأت با حضور دوسوم اعضا رسمیت یافته و تصمیمات متخذه با اکثریت مطلق اعضا معتبر خواهد بود.

تبصره ۳ - دبیرخانه هیأت نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود و زیر نظر هیأت انجام وظیفه می‌نماید. (اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

تبصره ۴ - وزارت ارشاد اسلامی مسئول دعوت و برگزاری جلسه انتخابات موضوع بند «ه» این ماده است و مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخابات مزبور براساس شرایط مندرج در صدر این ماده هیئت سه نفری مرکب از افراد بندهای الف و ب و ج می‌باشند، این قانون از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا خواهد بود. (الحاقی ۱۳۶۵/۴/۱).

تبصره ۵ - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیأت نظارت بر مطبوعات را برعهده خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیأت مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذیصلاح خواهد بود.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

ماده ۱۱ - رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول به عهده هیئت نظارت بر مطبوعات است.

تبصره - در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده (۹) این قانون را فاقد شود، به تشخیص هیأت نظارت مقرر در ماده (۱۰) و با رعایت

تبصره‌های آن پروانه نشریه لغو می‌شود.



(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

ماده ۱۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تخلف نشریات را راساً یا به تقاضای حداقل دو نفر اعضای هیأت نظارت ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به طور مستقیم و یا از طریق هیأت نظارت، مراتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید.

(اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

تبصره - درمورد تخلفات موضوع ماده (۶) به جز بند (۳) و (۴) و بند (ب)، (ج) و (د) ماده (۷) هیأت نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف موظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰).

ماده ۱۳- هیئت نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگیهای لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید، و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ موافقت هیئت نظارت برای متقاضی پروانه انتشار صادر کند.

ماده ۱۴- در صورتی که مدیرمسئول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف سه ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود، تا زمانی که صلاحیت مدیر به تأیید نرسیده است، مسئولیتهای مدیر به عهده صاحب امتیاز است.

ماده ۱۵- اعلام نظر هیئت نظارت مبنی بر تأیید یا عدم تأیید مدیر مسئول جدید، حداکثر سه ماه از تاریخ معرفی توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود.

ماده ۱۶- صاحب امتیاز موظف است ظرف مدت شش ماه پس از صدور پروانه، نشریه مربوطه را منتشر کند و در غیر این صورت با یک بار اخطار کتبی



و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می‌رود، عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیئت نظارت) باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود.

تبصره- نشریه‌ای که سالانه منتشر می‌شود (سالنامه) از ماده فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یک سال بدون عذر موجه پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد.

ماده ۱۷- پروانه‌هایی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی است، مشروط بر اینکه ظرف سه ماه از تاریخ اجرا این قانون، صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود، با این قانون اقدام نماید.

ماده ۱۸- در هر شماره باید نام صاحب امتیاز، مدیر مسئول، نشانی اداره و چاپخانه‌ای که نشریه در آن به چاپ می‌رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود، چاپخانه‌ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند.

ماده ۱۹- نشریات در چاپ آگهی‌های تجاری که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که بر حسب قوانین رسمیت داشته باشند، تأیید گردد با رعایت ماده ۱۲ آیین‌نامه تأسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می‌باشند.

تبصره- در مواردی که طبق این ماده، مطبوعات مجاز به درج آگهیهای مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویق نمی‌تواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود.

ماده ۲۰- هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه درآمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی مؤسسات را بازرسی می‌نماید.

تبصره- کلیه مطبوعات مکلفند، همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتباً به



وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند.

ماده ۲۱- مدیران مکلفند از هر شماره نشریه خود دو نسخه به هر یک از مراجع زیر به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند.

الف- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ب- مجلس شورای اسلامی.

ج- دادگستری مرکز استان محل نشر.

(اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

ماده ۲۲- ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن براساس موازین شرعی و قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی است.

(اصلاحی ۱۳۶۹)

فصل ششم : جرایم

ماده ۲۳- هر گاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتباً برای همان نشریه بفرستد. و نشریه مزبور موظف است این گونه توضیحات و پاسخ ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل منتشر شده است، مجانی به چاپ برساند، به شرط آن که جواب از دوبرابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افتراء به کسی نباشد.

تبصره ۱- اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است. درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آنرا ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود.

تبصره ۲- پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج گردد. بشرط آنکه حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد.



تبصره ۳- در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می‌تواند به دادگستری شکایت کند و رئیس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می‌کند و هر گاه این اخطار مؤثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می‌کند.

(اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

تبصره ۴- اقدامات موضوع این ماده و تبصره‌های آن نافه اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضائی نمی‌باشد.

(الحاقی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

ماده ۲۴- اشخاصی که اسناد و دستوره‌های محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه‌های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود.

ماده ۲۵- هر کس به وسیله مطبوعات، مردم را صریحاً به ارتکاب جرم یا جنایتی برضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است، (قانون مجازات اسلامی جایگزین آن شده است)، تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۶- هر کس به وسیله مطبوعات به دین میین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۲۷- هر گاه در نشریه‌ای به رهبر یا شورای رهبری جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسئول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهند شد.



تبصره ۵- رسیدگی به جرایم موضوع ماده ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست.

ماده ۲۸- انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود.

(غالب حقوقدانان بر این باورند که اصرار پس از صدور حکم و اجرای آن می‌باشد ولی اگر نشریه‌ای قبلاً محکوم نشده و به انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ادامه دهد حکم عمل واحد را دارد.)

ماده ۲۹- انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیر علنی محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون، افشا آن مجاز نیست ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد.

ماده ۳۰- انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت‌های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است. مدیر مسئول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می‌گردد. و تعقیب جرایم مزبور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد متوقف خواهد شد.

تبصره ۱- در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید.

تبصره ۲- هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاک به بازماندگان وی بحساب آید، هریک از ورثه قانونی می‌تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید.

ماده ۳۱- انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با



وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد.

تبصره- در مورد مواد ۳۰، ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است، نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطالبی نشر دهد، در صورت تخلف دادستان عمومی باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می‌شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می‌شود.

ماده ۳۲- هر کس در نشریه‌ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسئول معرفی کند، یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد.

مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست داده‌اند نیز می‌شود.

ماده ۳۳- الف) هر گاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود، به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم می‌شود. تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است.

ب- پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگر بجای نشریه توقیف شده به نحوی که با نشریه مذکور از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می‌گردد. مرتکب به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال محکوم می‌شود.

(اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰)

ماده ۳۴- رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می‌تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضائی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیأت منصفه الزامی است.

(اصلاحی ۱۳۷۹/۱/۳۰)



تبصره- به جرائم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استان ها رسیدگی می شود.

ماده ۳۵- تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم می شود:

الف- جزای نقدی از یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) تا بیست میلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) ریال.

ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات.

تبصره- دادگاه می تواند در جرائم مطبوعاتی مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازاتهای ذیل تبدیل نماید:

الف- جزای نقدی از دو میلیون (۲۰۰۰۰۰۰) تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال.

ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و یا یک سال در مورد سایر نشریات.

ج- محرومیت از مسئولیتهای مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال.

(اصلاحی ۷۹/۱/۳۰ ماده «۳۵» و تبصره.)

مواد ۳۶ الی ۴۸ در تاریخ ۷۹/۱/۳۰ به قانون مطبوعات ۱۳۶۴ الحاق گردیده است. در این خصوص (نحوه انتخاب اعضای هیأت منصفه تا قبل از اصلاحیه ۷۹/۱/۳۰) به قانون مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ (مواد ۳۰ الی ۳۹) آئین نامه هیأت منصفه (۱۳۷۴/۹/۶) رجوع و استناد می شود.

فصل هفتم: هیأت منصفه مطبوعات

ماده ۳۶- انتخاب هیأت منصفه به طریق ذیل خواهد بود:

هر دو سال یک بار در مهرماه جهت تعیین اعضاء هیأت منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رئیس کل دادگستری



استان، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با حضور وی رئیس کل دادگستری استان، رئیس شورای شهر مرکز استان رئیس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می‌شود.

هیأت مذکور در تهران (۲۱) نفر و در سایر استانها (۱۴) نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروههای مختلف اجتماعی (روحانیون، اساتید دانشگاه، پزشکان، مهندسان، نویسندگان، روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، دبیران و آموزگاران، اصناف، کارمندان، کارگران، کشاورزان، هنرمندان و بسیجیان) به عنوان اعضاء هیأت منصفه انتخاب می‌کند.

تبصره ۱- چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود، رئیس کل دادگستری مکلف می‌باشد نسبت به دعوت از افراد یاد شده و انتخاب هیأت منصفه اقدام نماید.

تبصره ۲- چنانچه به هر دلیلی اعضای هیأت منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیأت مذکور در این ماده موظف است ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیأت منصفه اقدام نماید. (اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۳۷- اعضاء هیأت منصفه باید دارای شرایط زیر باشند:

- ۱- داشتن حداقل سی سال و تأهل.
 - ۲- نداشتن سابقه محکومیت مؤثری کیفری.
 - ۳- اشتها به امانت، صداقت و حسن شهرت.
 - ۴- صلاحیت علمی و آشنائی بامسائل فرهنگی و مطبوعاتی.
- (اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۳۸- پس از انتخاب اعضاء هیئت منصفه، موضوع ماده (۳۶) این قانون، مراتب توسط رئیس کل دادگستری استان به اعضاء ابلاغ می‌گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرائم مطبوعاتی، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضاء هیأت منصفه دعوت می‌کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند.



دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضاء هیأت منصفه رسمیت خواهد یافت. اکثریت آراء حاضران ملاک تصمیم گیری هیأت منصفه خواهد بود، اعضاء هیأت منصفه موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند.

تبصره ۱- تصمیمات هیأت‌های نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود.

تبصره ۲- چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی، هیأت منصفه به حد نصاب نرسد، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی می‌نماید.

تبصره ۳- دبیرخانه هیأت منصفه با بودجه و امکانات قوه قضائیه تشکیل و زیر نظر هیأت منصفه انجام وظیفه می‌نماید.
(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۳۹- هر یک از اعضای هیأت منصفه چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیأت منصفه محکوم می‌شود. رأی دادگاه قطعی است.

تبصره - هر یک از اعضای هیأت منصفه به علت وجود عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد موظف است دو روز قبل از جلسه دادرسی عذر خود را کتباً و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند، در غیر این صورت عذر وی غیرموجه محسوب می‌گردد مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد در هر حال موظف است عذر خود را به دادگاه اعلام نماید. عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصاء گردیده است.
(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۴۰- اعضای هیأت منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه، به خداوند متعال و در برابر قرآن کریم سوگند یاد می‌کنند بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت، تقوی و امانت داری، در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه می‌نمایند.



(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۴۱- موارد رد اعضای هیأت منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضاات پیش بینی شده است.

(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۴۲- هرگاه در حین محاکمه، اعضای هیأت منصفه سؤالاتی داشته باشند، مراتب را کتباً جهت طرح، تسلیم رئیس دادگاه می نمایند.

(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۴۳- پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضاء هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:

الف- متهم بزهکار است یا خیر؟

ب- در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

تبصره ۱- پس از اعلام نظر هیأت منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می نماید.

تبصره ۲- در صورتی که تصمیم هیأت منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می تواند پس از رسیدگی رأی بر برائت صادر کند.

تبصره ۳- در صورتی که رأی دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رأی صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظر خواهی است در رسیدگی مرحله تجدیدنظر حضور هیأت منصفه لازم نیست.

تبصره ۴- حضور هیأت منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست.

(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۴۴- هرگاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه در صورتی که قبلاً توقیف شده باشد بی درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می باشد.

(اصلاحی ۱۳۷۹).



فصل هشتم: موارد متفرقه

ماده ۴۵- نظارت دقیق بر عملکرد جراید و انجام رسالت مطبوعاتی آنان برعهده وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی است. این امر مانع از انجام وظیفه مستقیم هیأت نظارت نخواهد بود.
(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۴۶- صاحب امتیاز و مدیر مسئول موظفند کلیه کارمندان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رأی هیأت نظارت یا به هر دلیل دیگر نشریه تعطیل گردید، تا زمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار حقوق قانونی آن پرداخت شود.
(اصلاحی ۱۳۷۹).

ماده ۴۷- آیین‌نامه اجرائی این قانون ظرف ۶ ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده ۴۸- این قانون از جمله در مورد نحوه تشکیل هیأت نظارت و هیأت منصفه از تاریخ تصویب لازم‌الاجرا است و نیز از تاریخ تصویب، کلیه قوانین مغایر با آن از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸/۵/۲۵ شورای انقلاب لغو می‌گردد.

(اصلاحی ۱۳۷۹- ماده ۴۸ جایگزین ماده ۳۶ قانون مطبوعات می‌باشد).

«طرح فوق مشتمل بر بیست و نه ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ سیام فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و نه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.»

قانون اخیر با نگاهی سختگیرانه و بسته به مطبوعات نگاشته شده است. از جمله تغییراتی که در قانون مطبوعات اعمال شد تغییر ترکیب کمیته اعضای هیأت منصفه بود که این افراد از سه نفر یعنی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس کل دادگستری و رئیس شورای شهر تهران و هم‌مطرازان آن‌ها در استان‌ها به ۵ نفر افزایش یافت و رئیس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه نیز وارد این ترکیب



شدند.

در نهایت در سال ۱۳۸۲، قانون هیأت منصفه برای رسیدگی به جرائم مطبوعاتی لازم‌الاجرا شد. این هیأت به دعوت رئیس قوه قضائیه یا نماینده ایشان، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس شورای شهر، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه در سراسر کشور و در مراکز استان تشکیل می‌شود. هم چنین هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۷ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده ۴۷ اصلاحی قانون مطبوعات مورخ ۱۳۷۹، آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن را به شرح زیر تصویب نمود:

آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن

هئیت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۱/۶/۱۷ بنا به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد ماده (۴۷) اصلاحی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹، آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن به شرح زیر تصویب نمود (آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن)

فصل اول - تعریف و مشخصات مطبوعات

ماده ۱- مطبوعات به لحاظ زمان انتشار منظم می‌توانند با یکی از فواصل زمانی زیر منتشر شوند:

یکبار - سه ماه یکبار (فصلنامه) - شش ماه یکبار (سالنامه)

تبصره ۱- نشریه الکترونیکی، نشریه‌ای است که در محیط دیجیتال با همان صورت، شرایط و ظواهر یک نشریه چاپی و طی فرآیند فعالیت مرسوم روزنامه‌نگاری و تحریریه‌ای تولید و به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف معینی در یک یا چند زمینه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تولید و منتشر می‌شود.

ماده ۲- در نامگذاری نشریه باید از کلماتی استفاده شود که با نشریات موجود و یا با نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند اشتباه نشود و موجب



تداعی نام آنها نباشد. همچنین نام نشریه نباید از کلمات نامانوس باشد و یا ایجاد شبیه و ابستگی به سازمان‌های دولتی بنماید. در صورت بروز هر گونه اختلاف مرجع تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواهد بود.

ماده ۳- انتشار فوق‌العاده - ویژه‌نامه و دیگر ضمایم با همان نام نشریه و منطبق با سایر مشخصات مندرج در پروانه انتشار با رعایت سایر ضوابط قانون مطبوعات مجاز می‌باشد.

تبصره ۱- چاپ هر گونه آگهی‌نامه به شکل نشریه توسط کانون‌های تبلیغاتی ممنوع است.

تبصره ۲- چاپ و انتشار ویژه‌نامه‌های محلی توسط روزنامه‌های سراسری در صورتی مجاز است که حجم آگهی‌های آن از سی درصد (۳۰٪) صفحات ویژه‌نامه بیشتر نباشد.

ماده ۵- ترجمه تمام یا قسمتی از مطالب مطبوعات دارای پروانه انتشار و انتشار منظم آن به طور جداگانه با رعایت سایر مشخصات مندرج در پروانه انتشار از جانب صاحب نشریه بلامانع می‌باشد.

ماده ۶- تکثیر مطبوعات موجود به همان زبان و شکلی که چاپ شده، از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب امتیاز ممنوع می‌باشد.

ماده ۷- مطالب نشریه باید مطابق و متناسب با روشهای مندرج در پروانه انتشار باشد و نشریه مجاز به درج مطالب و مقالات خارج از روش‌های مذکور که بر خط مشی کلی نشریه تاثیر بگذارد، نمی‌باشد.

ماده ۸ - روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی موظفند ضمن رعایت ماده (۲) قانون مطبوعات و متناسب با روش درخواستی، مطالبی پیرامون مسایل اجتماعی و فرهنگی محل انتشار نشریه جهت بالا بردن سطح آگهی‌های مردم درج نمایند.

ماده ۹- نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه‌های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی) به منظور تحقیق، نقد و رد مطالب در صورتی که تبلیغ



محسوب نشود. بلامانع است.

تبصره ۱- درج شایعات به نحوی که اصل کذب باشد و به قصد تشویش اذهان عمومی صورت گرفته باشد ممنوع است.

تبصره ۲- نقدهای علمی از شمول بند (۱۲) الحاقی ماده (۶) قانون مطبوعات مستثنا است.

ماده ۱۰- تغییر نام، روش و ترتیب انتشار نشریه بدون اطلاع و تصویب هیئت نظارت بر مطبوعات ممنوع می‌باشد، تغییر در سایر موارد با تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع است.

تبصره - هیئت نظارت بر مطبوعات حداکثر ظرف سه ماه به تقاضای تغییر وضعیت رسیدگی و اعلام نظر می‌کند در صورت انقضای مهلت مقرر، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است درخواست‌های مزبور را بررسی و مراتب تأیید یا رد تقاضا را به نشریه اعلام نماید. تبدیل ترتیب انتشار روزنامه از مفاد آنی تبصره مستثنا است.

ماده ۱۱- نشریه اجاره‌ای اطلاق می‌شود که صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن به موجب اجاره نامه‌ای اختیارات قانونی خود را در قبال دریافت وجه به فرد یا مؤسسه‌ای واگذار می‌نماید.

فصل دوم - شرایط صدور پروانه و مجوز انتشار نشریه

ماده ۱۲- متقاضیان پروانه انتشار نشریه می‌بایست تقاضانامه خود را به همراه نمونه تکمیل شده پرسشنامه‌ای که حاوی مشخصات فردی، سوابق اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و شغلی و تعهدات قانونی باشد، به انضمام مدارک به شرح زیر در تهران به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرستانها به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط تحویل نمایند.

۱- چهار قطعه عکس ۴ * ۶

۲- دو برگ فتوکپی شناسنامه از تمام صفحات

۳- یک برگ گواهی عدم سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که



موجب سلب حقوق اجتماعی باشد.

۴- یک برگ فتوکپی - آخرین مدرک تحصیلی که به تائید مراکز ذیصلاح رسیده باشد.

تبصره - تشخیص صلاحیت متقاضیان بر عهده هیئت نظارت بر مطبوعات است.

ماده ۱۳- چنانچه متقاضی پروانه انتشار نشریه شخص حقوقی باشد، تقاضای صدور پروانه همراه با معرفی فرد واجد شرایط به عنوان مدیر مسئول باید از سوی بالاترین مقام مسئول باشد. در صورت موافقت، پروانه انتشار به نام مرکز درخواست کننده صادر خواهد شد.

ماده ۱۴- احزاب، سازمانها، و جمعیت‌های سیاسی و اقلیتهای دینی ایرانی در صورتی می‌توانند تقاضای صدور پروانه انتشار نشریه نمایند که اجازه فعالیت قانونی را دارا باشند.

ماده ۱۵- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جهت صدور مجوز انتشار مطبوعات سازمان‌های آزادیبخش اسلامی کشورهای دیگر در چهارچوب مقررات مربوط به خارجی‌ان مقیم ایران با استعلام از مراکز ذیربط و اخذ مدارک و نیز موافقت وزارت امور خارجه بررسی لازم را به عمل آورده و پس از موافقت راساً اقدام می‌نماید.

ماده ۱۶- انتشار نشریه داخلی یک سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی منوط به کسب مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با رعایت ضوابط به شرح زیر می‌باشد:

۱- درخواست انتشار نشریه و معرفی مدیر مسئول پیشنهادی از سوی بالاترین مقام مسئول آن مرکز باشد.

۲- مطالب و اخبار عمدتاً در ارتباط با اهداف و شرح وظایف مرکز درخواست کننده و فقط برای استفاده کارکنان باشد.

۳- از درج هرگونه آگهی بازرگانی پرهیز نمایند.

۴- تعداد صفحات از ۴۸ صفحه تجاوز ننماید.



۵- رایگان باشد.

تبصره ۱- به یک مرکز و واحدهای تابعه آن فقط اجازه انتشار یک نشریه داخلی داده می‌شود.

تبصره ۲- صدور مجوز انتشار نشریات داخلی سازمان‌های دولتی با رعایت سایر قوانین مربوط خواهد بود.

ماده ۱۷- عدم رعایت ضوابط مندرج در ماده (۲) قانون مطبوعات و این آئین‌نامه از سوی نشریات داخلی یک سازمان، مؤسسه و شرکت دولتی یا خصوصی منجر به صدور تذکر کتبی و در صورت تکرار تخلف موجب مجازات خواهد شد.

ماده ۱۸- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای صاحب امتیاز، پروانه انتشار و برای مدیر مسئول، کارت مدیر مسئول صادر می‌نماید.

ماده ۱۹- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌تواند جهت اجرای ماده (۱۱) قانون مطبوعات، تحقیقات لازم را به عمل آورده و در اختیار هیئت نظارت بر مطبوعات قرار دهد. وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیربط موظفند همکاری‌های لازم را به عمل آورند.

ماده ۲۰- متقاضیانی که صلاحیت انتشار نشریه توسط آنان براساس بند (ع) و یا تبصره (۵) ماده ۹ قانون مطبوعات مورد تأیید هیئت نظارت بر مطبوعات قرار نگرفته است، نمی‌توانند مجدداً تقاضای انتشار نشریه نمایند.

ماده ۲۱- تاریخ رسمی ثبت تقاضای پروانه انتشار نشریه زمانی است که کلیه مدارک موردنیاز، از سوی متقاضی ارائه شده باشد.

ماده ۲۲- در صورت فوت صاحب امتیاز وارث قانونی واجد شرایط وی در تقاضای صدور امتیاز نشریه مورث خود حق تقدم دارند، مگر اینکه فاقد شرایط لازم باشند. چنانچه ورثه در مهلت قانونی مذکور، در ماده (۱۶) قانون مطبوعات از تقاضای انتقال امتیاز خودداری کنند و یا پس از صدور امتیاز اقدام به انتشار نشریه نمایند پروانه انتشار لغو می‌گردد.



فصل سوم - تکالیف صاحبان پروانه و مدیران مسئول مطبوعات

ماده ۲۳- مطبوعاتی که به شکل روزنامه منتشر می‌شوند مکلف به درج نام به طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، شماره ردیف مسلسل و شماره صفحه در بالای تمام صفحات و نیز قیمت در صفحه اول می‌باشند. همچنین مطبوعاتی که به شکل مجله منتشر می‌شوند موظف به درج نام به طور کامل، ترتیب و تاریخ انتشار، ردیف مسلسل، تعداد صفحات و قیمت بر روی جلد و نیز قید شماره هر صفحه در تمام صفحات می‌باشند.

ماده ۲۴- هریک از مطبوعات موظف به داشتن محلی به عنوان دفتر نشریه می‌باشند. صاحب پروانه نشریه موظف است نشانی محل دفتر نشریه را پس از اخذ پروانه انتشار کتیباً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نماید.

تبصره ۱- صاحب امتیاز نشریه موظف است در صورت تغییر نشانی محل دفتر نشریه، مراتب را کتیباً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرستانها به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط اطلاع دهد.

تبصره ۲- توزیع نشریه خارج از محدوده جغرافیایی شخص حقوقی (صاحب امتیاز) بلامانع است.

ماده ۲۵- کلیه مکاتبات مطبوعات با امضای صاحب پروانه یا مدیر مسئول نشریه و شخص دیگری که قبلاً از طرف مدیر مسئول کتیباً معرفی شده باشد معتبر می‌باشد. مکاتبات شخص معرفی شده در مواردی که قانون مطبوعات و آئین‌نامه اجرایی، را از وظایف صاحب پروانه و یا مدیر مسئول شناخته است، اعتبار ندارد.

ماده ۲۶- کلیه مطبوعات موظفند تیراژ خود را به طبق نمونه‌ای که حاوی تعداد نسخ چاپ شده و تعداد برگشتی است، به تفکیک محل توزیع به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نمایند.

ماده ۲۷- مدیر مسئول نشریه موظف است نام چاپخانه طرف قرارداد چاپ نشریه را کتیباً به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نماید.

ماده ۲۸- مدیران چاپخانه‌ها می‌بایست همزمان با خروج هر شماره نشریه از چاپخانه دو نسخه در تهران به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در شهرستانها



به اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط تحویل و برگ اعلام وصول دریافت دارند.

تبصره - ناشران نشریات داخلی سازمانها و موسسات نیز باید دو نسخه از نشریه خود را به محض انتشار به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مربوط تحویل دهند و برگ اعلام وصول دریافت دارند.

ماده ۲۹- در صورت لغو پروانه انتشار نشریه با اعلام کتبی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صاحب پروانه موظف است مدارک دریافتی از قبیل پروانه انتشار، کارت مدیر مسئولی و کارتهای خبرنگاری را ظرف مدت ده روز مسترد نماید. با سوء استفاده کنندگان از این مدارک برابر قانون رفتار خواهد شد.

فصل چهارم: سایر مقررات

ماده ۳۰- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بررسی و ارزیابی نشریات (تخصصی) از همکاری مراکز ذیصلاح استفاده می نماید.

ماده ۳۱- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سه ماه قبل از اتمام دوره هیات نظارت بر مطبوعات، ضمن درج آگهی در نشریات کثیرالانتشار، دعوتنامه‌ای به منظور اعلام نامزدی به مدیران مسئول مطبوعات ارسال نموده و پس از تأیید صلاحیت نامزدها توسط هیات موضوع تبصره (۴) الحاقی ماده (۱۰) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۵، مجدداً از کلیه مدیران مسئول جهت برگزاری انتخابات دعوت می نماید. جلسه با حضور اکثریت مطلق مدیران مسئول رسمیت می یابد و اخذ رای با ورقه و به صورت مخفی خواهد بود و نماینده انتخابی می بایست اکثریت مطلق آرای حاضران را بدست آورد.

تبصره ۱- چنانچه در مرحله اول اکثریت حاضر نشوند جلسه بعد پس از دو هفته تشکیل و با رای اکثریت حاضران نسبت به انتخاب نماینده مدیران مسئول اقدام می شود.

تبصره ۲- هر مدیر مسئول حتی اگر مدیر مسئولی چند نشریه را برعهده داشته باشد دارای یک رای خواهد بود.



تبصره ۳- آن گروه از مدیران مسئولی که یکسال قبل از برگزاری انتخابات حداقل یک شماره از نشریه خود را منتشر کرده باشند و پروانه انتشار نشریه‌شان به دلیل حکم قطعی دادگاه و یا ماده ۱۶ قانون مطبوعات توسط هیأت نظارت بر مطبوعات ابطال نشده باشد، می‌توانند در انتخابات شرکت کنند.

ماده ۳۲- چنانچه هریک از اعضای هیأت نظارت بر مطبوعات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا سایر مراجع رسمی، در مورد موضوع تبصره (۸) الحاقی ماده (۹) - مصوب ۱۳۷۹- ادعایی داشته باشند، مدارک و مستندات خود را به اطلاع هیأت نظارت بر مطبوعات می‌رسانند. هیأت یاد شده در صورت احراز تخلف، در مورد رفع آن به مدیر مسئول نشریه اخطار می‌دهد. در صورت عدم رفع تخلف، موضوع جهت رسیدگی به محاکم دادگستری ارجاع می‌شود.

تبصره - متخلف در صورت محکومیت تا پایان مدت محکومیت از فعالیت مطبوعاتی محروم خواهد بود.

ماده ۳۳- فعالیت مطبوعاتی مندرج در تبصره (۸) الحاقی ماده (۹) قانون مطبوعات - مصوب ۱۳۷۹ - شامل فعالیت‌های تحریری خواهد بود که جنبه استمرار داشته و در مقابل آن حق الزحمه ثابت دریافت شود.

ماده ۳۴- در کلیه مواردی که هیأت نظارت بر مطبوعات، اختیار توقیف موقت یا لغو پروانه نشریات را دارد، باید قبل از هر گونه اتخاذ تصمیم موارد تخلف را کتباً به مدیر مسئول نشریه با قید حداقل یک هفته مهلت پاسخگویی ابلاغ نماید.

ماده ۳۵- جلسات شور و اتخاذ تصمیم هیأت منصفه، بدون حضور رئیس دادگاه برگزار خواهد شد.

تبصره- در صورتی که بنا به تصمیم اکثریت اعضای هیأت منصفه حضور رئیس دادگاه برای رسیدگی برخی از موارد ضروری باشد رئیس دادگاه صرفاً برای همان موضوع در جلسه حاضر خواهد شد.

ماده ۳۶- این آیین نامه جایگزین آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات مصوب اسفندماه ۱۳۶۴، موضوع تصویب نامه شماره ۱۱۱۶۴۸/ت/۴۹ مورخ ۱۳۶۶/۲/۵ و کلیه اصلاحات و الحاقات بعدی آن می‌گردد.

محمد رضا عارف
معاون اول رئیس جمهور

